

# رقابت‌ها، از غارتگری‌ها پرده برمی‌گیرد

• تنها در یک مورد ۲ میلیارد تومان در استان فارس به سرقت رفته است

کوشه‌ها، از غارتگری‌ها برمی‌گیرد. اما انتشار همین مختصر هم، گریاست. قضایایی که در دیماه پیر امون اختلاس کلان در شرکت نفت در استان فارس بر ملا شد، در این زمینه نمونه وار است.

ماجرای نخستین بار در نماز جمعه شیراز مطرح شد. حاضری شیرازی جنابکار، امام جمعه شیراز و از وابستگان به جناح "رسالت"، که در نظیره "هم جناح" های خود از پیشروی اخیر رقبا احساس خطر می‌کرد، برای کشاندن دعوا به یک عرصه دیگر، "با اشاره به سرقت ۲ میلیارد تومانی که توسط برادر سه شهید کشف شده بود گفت: بعضی از خواهران و برادران سؤال می‌کنند که موضوع برخی سرقتها چیست؟ بنده عرض می‌کنم استان فارس در آستانه یک تحول بزرگ است و مردم بایستی خودشان را برای بقیه در صفحه ۲

هروقت آخوندها و مکلاهای حکومتی به جان هم می‌افتند و جنگ قدرت شدت می‌گیرد، بازار افشاگریها و پرده‌دری‌ها گرم می‌شود. سبک کار هم همیشه یکی است: اول در نطق پیش از دستوری، نماز جمعه ای... ناطق به زبان کتابه و اشاره به حریف می‌فهماند که "ما از فلان قضیه هم باخبریم". بعداً، یا به تلافی یک حمله یا پس از تکذیب طرف مقابل - که آن هم معمولاً غیر صریح و مبهم است و فقط "باز" می‌فهمد مخاطب چیست - کم کم اصل قضیه به تفصیل بیشتر می‌شود. موضوع هم به هیچ وجه کم نمی‌آید. آنقدر در دواوردی رقیب دزد و رشوه‌خوار... هست که کفاف جنگ منبری فقها را بدهد، تازه خیلی از قضایای "داغ" را ظرفین تکه می‌دارند برای "روز میاد"، برای روزی که بخواهند ضربه اصلی را به حریف وارد کنند. بنابراین، افشاگریها تنها پرده از



دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۶۶ - ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸  
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۲

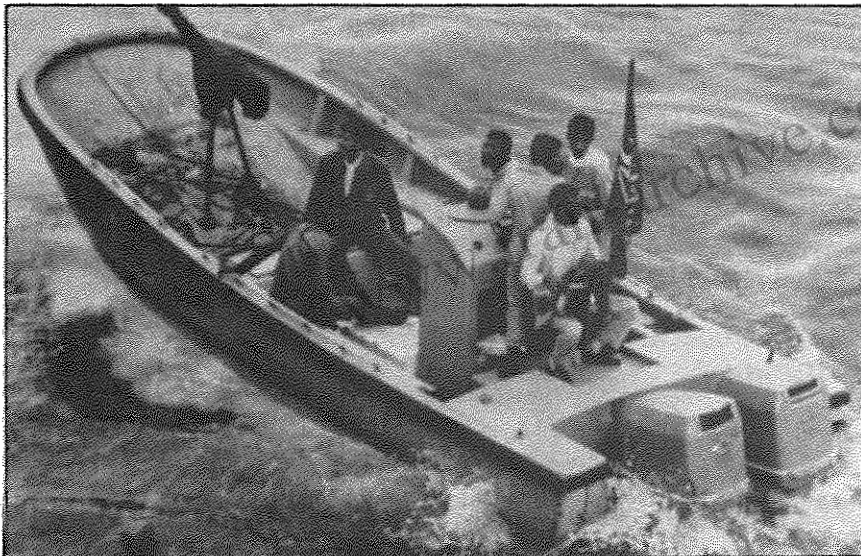
## "ولایت مطلقه"

درگیری و کشمکش در رژیم آخوندی گسترده‌تر و نیز بازناب وسیعی یافته است. دور اخیر کشکشا که به موضوعی صریح خمینی به سود یک جناح انجامید، از "فرح جدید مبارزه با کرائی" که در اواخر تیر ماه سال جاری اعلام شد، به تدریج شدت گرفت تا به جایی که شاهد آنیم، رسید. موضوع از این قرار بود که با کاهش سرچ سنج زندگی مردم، که خودمغول، بخت و غارت سرمایه‌داری و انجام گسیختگی آن در رژیم خمینی است، برخی "زنگ خنجرها" برای حکومتیان به صدا درآمدند. دوران پیشانان را ترس از "طغیان فقرا"، فراگرفت. جناحی در حکومت، این ترس مشترک را در خدمت منافع خود در اشغال بیشتر مواضع قدرت قرار داد و کار را از به راه انداختن چارو جنجال پیر امون "مبارزه با کرائی" آغاز کرد. رفسنجانی در روز ۲۹ تیر ماه گفت: "بعضی از مقررات محدود کننده را معمولاً آن نمی‌توانیم بگذاریم، از شورای نگهبان عبور نمی‌کنند... ما دیشب خدمت حضرت امام بودیم و اجازه خیلی مهمی را مطرح کردند که قضیه خیلی مهم است در تعزیرات کرائی و نشان، ما تا دیشب، باید منتظر دستگاه قضایی می‌ماندیم که تعزیر برود دادگاه و دادگاه حکم بدهد. امام فرمودند اینها، احکام حکومتی است و دادگاه لازم ندارد که بخواهد تعزیر کند... این حق قانونی دولت باشد که تعزیر کند." (الملاحات، ۲۰ تیر)

اما در رژیم فقها، جناحی وجود دارد که همین اقدامات سطحی را نیز که حفظ نظام و مصرف تبلیغی را هدف دارد، تحمل نمی‌کند. آخوندهای پیرجمدار "فقه سنتی" در پیوند با بازار، کم کم بقیه در صفحه ۲

## توپ علیه خرد

"آیت الله خمینی، نوجوانان بالای دوازده سال را از آغوش پدر و مادر درآورده و راهی جبهه ساختن نازاری میادین مین بگذراند. بر گردن آنها کلیدهایی را آویزان کرده اند که ساختن تابوالتن چنشان از پلاستیک است و با آنها می‌توان در بهشت را باز کرد." (هفته نامه شوری عصر جدید) در صفحه ۹



حزب الله در قایق‌های تندرو برای حمله به کشتی‌ها و نفتکش‌ها و تشنج آفرینی در خلیج فارس

## از رویدادهای ایران

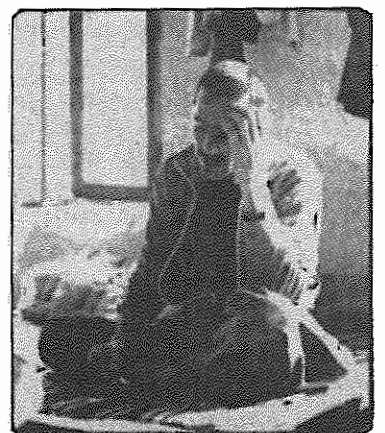
- ادامه عملیات جنگی در خلیج فارس و در جبهه‌های زمینی
- ۶۰ درصد محصول گندم کشاورزان در خطر نابودی است
- آزمون دانشگاه‌ها، دامی سر راه دانش آموزان برای کشاندن به جبهه
- مسئول اداره‌ای که در آن کارمند بد حجاب باشد به زندان محکوم می‌شود

در کوچه‌های غم گرفته شهر صدای شوم چند اعتیاد می‌پیچد. خاک سفید، هوادیه، چهارراه مولوی خیابان سابق چمشید... صداهم جا را می‌نورد و بیش از همه در "رنج آباد" های شهر به گوش می‌رسد. این چهره‌های تکیده، این سیماهای جوان که چونان کلی در خزانی زودرس پژمرده‌اند، مرکز طعم شیرین شادی شکفتن را نچشیده‌اند، فرار از زندگی به آغوش مرکزای اعتیاد. اینان چرا از زندگی می‌گریزند؟ ایچادگر واقعی این چهره‌های غم‌آلود، این تن‌های رنجور، این لبخندهای خشکیده و این نتاهای شرمگین و دردمند چیست؟ این اسیران اعتیاد قربانیان کیانند.

تهران، بلوچستان، کرمان، همدان، خراسان... پنجه اعتیاد در پرتو حکومت اسلامی، چنان گلوی بسیاری از زنان، مردان، جوانان و حتی کودکان این استانها را می‌فشرد، چنان تصویرهای دردآلودی می‌آفریند که از دیدن آنها

بقیه در صفحه ۷

## اسیران اعتیاد



## رقابت‌ها، از غارتگری‌ها پرده برمی‌گیرد

بقیه از صفحه اول

این مسئله آماده گفتند؟" (رسالت ۶ دیماه). تا اینجا قضیه به کلی کنگ است. معلوم نیست چه کسی سرقت ۲ میلیاردی کرده، "برادر سه شهید" کیست و... اما همین قدر معلوم است که "برای این انسان طوری پرونده‌سازی کردند که حتی به اخراج او اکتفا نمودند بلکه زمینه زندان انداختن او را هم فراهم کردند و بعد به این هم اکتفا نکردند و برای ترور برادر سه شهید به جرم کشف یک سرقت ۲ میلیارد تومانی زمینه‌سازی نمودند... بعد برای آن گروه سارق، یک مسئول برود در زندان، به آنها بگویند چیزی نکویید ما دنبال کارتان هستیم. آزاد می‌شوید. بعد آنها آزاد شوند و دوباره سرکار برگردند و دوباره دزدی بزرگتری کنند... تمام کسانی که به هر شکلی با این سارقین بودند و از آنان دفاع کردند، تلفن کردند، تقویت کردند، هر که باشد در هر لباس بایستی اموال اینها توقیف بشود، تا مسلم بشود از آن اموال چیزی بدست آنها نیامده که اینطور همکاری کرده‌اند."

به مصداق "جوب را که برداری گریه دزده حساب کار خودش را میکنند" مخاطبان حائری شیرازی خودرود به حرف آمدند. آخوند رسول منتخب‌نیا، نماینده شیراز در مجلس از مخالفان حائری شیرازی در روز پنجشنبه ۱۰ دی، در نطق پیش از دستور، به او حمله کرد و گفت: "در شهر شیراز... چند سال است که... مردم حزب الله نسبت به نماز جمعه شهر خود بدبین و بی‌عقیده شدند. لذا جمعیت محدودی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند اکثراً فقط به خاطر توصیه حضرت امام حضور می‌یابند... چرا خطبه‌های جمعه... نوعاً مشتمل بر مبارزه و تضعیف دولت و مسئولین کشور و با زیرکی خاص متهم کردن استادان، مدیران کل و سایر مقامات به وهابیت‌گری، ضد روحانیت، باند مهدی‌هاشعی، دزد و امثال آن باشد...؟ چرا در خطبه‌ها گاهی مدرسین قم و زمانی شورای نگهبان بعنوان شاغل تشخیص حق از باطل معرفی شوند؟" (رسالت ۱۲ دی) منتخب‌نیا دهها "چرا"ی دیگر هم گفت که به معنی تهدید به گسترش درگیری به عرصه‌های مختلف در صورت

یافتاری حریف بر موضوع مطرحه بود.

اما حائری شیرازی میدان را خالی نکرد و فردای نطق منتخب‌نیا در مجلس، در نماز جمعه شیراز در دفاع از خود گفت: "من نمی‌فهم اشتباه بوده این صحبتی که کردم...؟ شما فرض کنید در خانه خودتان چیزی کم شده، می‌گویید خدا لعنت کند آن کسی که این چیز را دزدیده است. یک دفعه کسی بلند شود بگوید چرا آقا به ما لعنت می‌کنی، خوب شما چه فکر، می‌کنی، می‌گویید خودش است، پیدا کردم و بلند می‌شوی یقه او را می‌گیری و دیگر این طرف و آن طرف نمی‌گردی و سرخ را پیدا کردی. آقامن به شما نصیحت می‌کنم، آبرویتان را حفظ کنید، عقلتان کجا رفته؟" روزنامه رسالت ۱۲ دی که این سخنان را به تفصیل نقل کرده، افزوده است: "یادآوری می‌شود که مسائل فقهی ذکر در خطبه‌های آقای حائری هنگام بخشش از رادیو مرکز شیراز حذف گردیده بود."

در روز یکشنبه ۱۲ دی، در جلسه مجلس "کمیسیون اصل نود" گزارشی با عنوان "در مورد تخلفات و سوءاستفاده‌های بعضی مسئولین شرکت نفت" ارائه کرد. "اصل نود" در قانون اساسی جمهوری اسلامی مشابه قانون "از کجا آورده‌ای" رژیم شاه است و تحقیقات پیرامون دارایی مقامات دولتی و منبع تهیه آنها را پیش بینی می‌کند. "کمیسیون اصل نود" مجلس، به ریاست آخوند فهیم کرمانی از چهره‌های جناح "فقه سنتی" است. هم‌ا بود که گزارش را قرائت کرد. مختصر این گزارش از این قرار است:

در بهمن ماه ۶۵، محمدعلی ایزدی کارمند شرکت نفت شکوایه‌ای به کمیسیون می‌فرستد و می‌نویسد در سال ۶۲ "متوجه باند سوءاستفاده کننده و حیف و میل بیت‌المال در ناحیه شیراز به سرکردگی معاون شرکت نفت ناحیه شیراز (بنام عنایت‌الله اسلاملو) می‌گردم". ایزدی را به پیرویه بخارک تبعید می‌کنند. او ضمن کار در خارک، ماجرا را به غرضی وزیر نفت وقت گزارش می‌کند. غرضی به شکایت او ترتیب اثر می‌دهد، معاون مدیرپخش مرکز (بنام احمد فرج‌پور) را برکنار و عنایت‌الله اسلاملو را یک سال منفصل می‌کند و

دستور می‌دهد ایزدی (شاکتی) به شیراز برگردانده شود.

اما عمر وزارت غرضی کفاف ادامه دفاع از ایزدی را نمی‌دهد. آقا زاده جانشین غرضی که عنصر وفادار جناح رقیب "رسالتی‌ها" است، با اینکه ایزدی ماجرا را حضوراً هم به او گزارش می‌کند، معاون برکنار شده مدیرپخش و اسلاملو را به کار برمی‌گرداند. ایزدی به "دادسرای انقلاب اسلامی" شیراز رومی‌آورد. بر اثر پیگیری‌هایی، "هزاران سند و حواله‌های جعلی روغن ۲۰۰۰ لیتری و غیره که به نام اشخاص و شرکتهای مجهول اليهودی صادر، و با فروش آن در آشفته بازار سیاه در زمانی که کشاورزان به چند لیتر آن نیازمند بودند، میلیونها تومان سوءاستفاده نموده" کشف می‌شود. "باند" دستگیر می‌شود. آقا زاده وزیر نفت خود را وارد ماجرا می‌کند و دستور می‌دهد اگر نمایندگان دادسرا بخواهند وارد محوطه شرکت نفت شیراز بشوند، به سوی آنها تیراندازی می‌شود.

پس از تحولاتی، او جمله پیشنهاد دستیاران آقا زاده به ایزدی برای قبول پست ریاست ناحیه شیراز و رد آن توسط ایزدی، وی با خرید می‌شود و "برای همیشه این مؤاحم را از سر راه خود برمی‌دارند" ۲۷ روز بعد در تاریخ ۶۶/۱/۱۸ مسراورانینطی حکمی بدستور وزیر محترم نفت بدون هیچگونه دلیل موجهی آماده به خدمت می‌کنند.

لبه تیز حمله گزارش "کمیسیون اصل نود" متوجه آقا زاده وزیر نفت است و در چندین مورد به تناقض کوبی‌ها، لاپرواشی‌ها و "تخلفات" او اشاره می‌کند.

"هم جناح" های آقا زاده او را در این مصاف تها تکه‌اشتمند. یک روز پس از قرائت گزارش "کمیسیون اصل نود"، محتشمی وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در مورد مسائل استان فارس گفت: "در شرایطی که امام حرکتی را در ارتباط با محرومین توسط تعزیرات حکومتی انجام داده‌اند در چنین زمانی یک سری افراد سودجو طرف بعضی از شخصیتها را گرفته و اینها را از آن واقعیتهایی که هست، اغوا می‌کنند... حادثه‌ای در ۲/۵ سال پیش اتفاق افتاده و اتهامی زده شده به یک

مسئولی، و در دادگاه مطرح شده و اصل و فرع آن ۱ تا ۲ میلیون تومان بیشتر نبوده حالا در این شرایط مطرح می‌شود که میلیاردها سوءاستفاده شده است." (رسالت ۱۵ دی)

روزنامه رسالت در مقاله‌های ۱۵ و ۱۶ دیماه خود جانب حائری شیرازی را گرفت و خواهان قطع دست رقیب دزد، یا به عبارت دیگر دزدان رقیب شد.

در روز ۱۸ دیماه، حائری شیرازی در نماز جمعه شیراز پاسخ اظهارات محتشمی را داد. وی گفت: "یکی از مسئولین کشوری در رابطه با پرونده شرکت نفت بیان فرموده بودند که این اختلاس مربوط به ۲ سال و نیم قبل بوده و رقم این اختلاس یک یا دو میلیون می‌باشد در صورتیکه دادستانی انقلاب اسلامی این اختلاس را ۷ ماه قبل عنوان نموده که این اختلاس بیش از صد میلیون تومان است..." (رسالت ۲۰ دی)

در روز ۲۲ دیماه، آقا زاده وزیر نفت به مجلس رفت و پاسخ خود به گزارش "کمیسیون اصل نود" را به مجلس ارائه کرد. وی کوشید حمایت خود را از متهمین برنده اختلاس حمایت کند و متقابلاً ایزدی مهره مورد حمایت جناح مقابل را متهم کرد که "قبل از انقلاب ایشان خود را وابسته به ساراک معرفی می‌کرده و از این طریق اظهار وجود می‌نموده است." وزیر نفت سپس به برسرمدن "اشوگرهای" و "تشیح آفرینی" ایزدی پرداخت. آقا زاده سرونه جوابیه خود را بدون اشاره به اصل ماجرا، یعنی حمایتش از عاملان اختلاس، با همین حملات متقابل به هم آورد.

"کمیسیون اصل نود" علاوه بر موضوعی که در بالا به آن اشاره کردیم، گزارشی هم درباره وضعیت توزیع لاستیک اتومبیل منتشر کرده است که به ماجراهای دزدی در وزارت بازرگانی می‌پردازد. قطعاً ادامه کشمکش‌ها و به ویژه فرار سیدن مبارزه انتخاباتی، موارد بیشتری را بر ملا خواهد کرد. این غارتگری‌ها، علاوه بر آنکه افشاگر جوسر چرکین حکومت پاسدار سرمایه است، یک واقعیت دیگر را نیز بازتاب می‌دهد: حکومتگران، خود می‌دانند که روز انتقام مردم فرا خواهد رسید. "دوراندیش" ترین آنها، از همین امروز به فکر جمع کردن هر آنچه قابل جمع کردن است، افتاده‌اند شعار آنان این است: بار خود را ببند که از آینده کسی خبر ندارد!

## “ولایت مطلقه”

بقیه از صفحه اول

مؤزمه‌های مخالفت را بلند کردند. محتشمی وزیر کشور در این رابطه اخیراً گفت: “روی چه حسابی است که وقتی تعزیرات حکومتی از طرف ولی فقیه مطرح می‌شود یک مرتبه یک آقایی از آنطرف می‌آید می‌گوید نظر شرعی من و استنباط من این نیست... آنچه را که ولی فقیه می‌فرماید برای همه لازم الاجراست حتی مجتهدین و مراجع تقلید.” (رساله ۱۵ دی) سخنان محتشمی اذعان به این است که در میان مخالفان “تعزیر حکومتی”، مجتهد و مرجع تقلید هم بوده است.

به موازات اعلام و اجرای “مبارزه با کرائی”، مجلس آخوندی قانون کار را هم تصویب کرد و به شورای نگهبان فرستاد. موضع فقهای شورای نگهبان از آغاز این بود که روابط کارگر و کارفرما باید بر اساس “باب اجاره” در فقه و طبق رساله “تدریر الوسيله” تنظیم شود، یعنی در قانون کار هیچ شرط الزامی بیش بینی نتردد و به کارفرما اختیار تحمیل هر شرطی در تنظیم قرارداد به کارگر داده شود. قانون مصوب مجلس، از آنجا که بر اساس یک عزیستگاه “ضد انگیزه‌ای” نوشته شده، با چنین موضعی نمی‌خواند. فقهای شورای نگهبان، از خمینی کسب تکلیف کردند. خمینی در آذرماه پاسخ داد که حکومت اسلامی، می‌تواند به ازای بدهد مانی مانند آب، برق، جاده و غیره، شرایطی را در انعقاد قرارداد کار الزامی کند. همچنین در مورد معادن نیز حکم در اختیار گرفتن آنها توسط دولت از سوی خمینی صادر شد.

صافی دبیر شورای نگهبان، در بی‌صدور این فتواها، نامه‌ای به خمینی نوشت که در آن آمده بود: “اؤ فتوای صادره از ناحیه حضرت عالی... بعضی اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می‌تواند هر گونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، آموزشی، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلی و مستقیم اسلام قرار دهد... موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت، عائله و سایر روابط بتدریج عملاً منحل و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد... می‌خواهند در برقرار کردن هر گوشه

نظام اجتماعی و اقتصادی این فتواری مستمک قرار دهند.” سپس صافی از خمینی خواست “رفع اشتباه” کند. اما خمینی از صافی “رفع اشتباه” کرد و نوشت: “دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد... حضرات آتاپان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده چوپان بی‌بند و بار یا مخالفان با نظام جمهوری اسلامی بخش می‌شود اعتنائی نکنند که شایعات در امری ممکن است.”

جمله آخر جوابیه خمینی به صافی، مدافعان “نظامات اصلی و مستقیم اسلام”، یعنی مخالفان اعمال هرگونه کنترل دولتی بر کار “تجار محترم” را به وسوسه انداخت که در مقابله با چنانچه که فتوای جدید را علم کرد، عرض اتمام کنند. خامنه‌ای، رئیس جمهور خمینی مرتکب یک اشتباه فاحش شد و در نماز جمعه تهران، با حساب باز کردن بر روی اینکه خمینی این بار هم سکوت خواهد کرد، ویایی اطلاع از آنچه در سر خمینی می‌گذاشت، گفت: “این اقدام دولت اسلامی (شرط گذاشتن در قرارداد های کار) به معنای برهم زدن قوانین و احکام پذیرفته شده اسلامی نیست و تکیه سؤال دبیر محترم شورای نگهبان روی همین است... (امام) فرمودند دولت می‌تواند شرطی را بر دوش کارفرما بگذارد، شرط الزامی، این هر شرطی نیست، آن شرطی است که در چهارچوب احکام پذیرفته شده اسلام است و نه فراتر از آن.” (رساله ۲ دی)

خمینی در پاسخ و در رد این سخنان خامنه‌ای، نامه معروف خود را نوشت که در شماره‌های گذشته بدان اشاره کردیم. خمینی در این پاسخ، حکومت اسلامی را “ولایت مطلقه‌ای” که از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدم دارد” خواند و افزود: “تعبیر به آنکه ایفجانب گفته‌ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیارات است به کلی

برخلاف گفته‌های ایفجانب است.” خمینی تاکید کرد: “آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها با این اختیارات از بین خواهد رفت صریحاً عرض می‌کنم که فرضا چنین باشد این اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است.”

بلافاصله پس از انتشار این نامه خمینی به خامنه‌ای، رفسنجانی در مجلس بیرومندانگفت: “حال از این جواب نامه معلوم شد که سکوت‌های ایشان هم در مواقع دینتری معنای خاص خودش را داشته است... اگر کسانی مریض نباشند و خط امام را قبول داشته باشند دینت نباید تفرقه‌ای باشد... از شورای محترم نگهبان تقاضا می‌کنم... فقرات حضرت امام را جدی بگیرند، فقرات خودشان را و دبیران را مانیه اجرای فقرات امام نکنند.” (رساله ۱۷ دی)

اصطلاح جدید “ولایت مطلقه” موضوع سخنرانی‌ها، راهیمیایی‌ها و حتی سبهارها شد. در نمازهای جمعه، آخوندهای هوادار جناح - لااقل در این مقطع - بیرومندانگفت، تبلیغات گسترده‌ای به راه انداختند. البته خمینی در پاسخ “توبه نامه” کتبی خامنه‌ای ضمن تکلیف کردن به او که در نماز جمعه خطبه توبه بخواند، دستی هم به سروروش کشید و رئیس جمهور کریه المنظر خود را به “خورشید” تشبیه کرد. رفسنجانی نیز در سخنرانی دومی در مجلس، طبق معمول همیشه گفت موضوع، “تصاحب قدرت” نیست و از نمایندگان خواست “به گوشه‌ای بحث نکنند که مایه خوشحالی دشمنان ما نباشد.”

اما این توصیه‌ها، ظاهری بود و قدرت نمایی‌های برندگان این دور از کشمکش ادامه یافت. در روز چهارشنبه ۲۲ دی، به دعوت “اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان”، راهیمیایی به حمایت از “ولایت مطلقه” از دانشگاه تهران به چارمان برگزار شد. ۴۷ نماینده مجلس نیز از این راهیمیایی پشتیبانی کردند.

پاسخ خمینی به خامنه‌ای، طرفداران “فقه سنتی” را برای مدتی “شوکه” کرد. امامی کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان یک روز پس از انتشار نامه خمینی در نماز جمعه تهران از هر اشاره‌ای به “ولایت مطلقه” و نامه خمینی اجتناب ورزید. خانخالی در مجلس، “میج” امامی کاشانی را گرفت و گفت: “آقای امامی کاشانی در خطبه نماز جمعه یک اشتباهی کردند که مسلماً چبران می‌کنند و حقش نبود که ایشان در آن موقع حساس سکوت اختیار بکنند.”

(رساله ۲۳ دی) امامی کاشانی در مصاحبه‌ای در روز ۲۳ دیماه، “شوکه” شدن خود را تلویحاً تایید کرد. وی اظهار داشت: “پاسخ حضرت امام به نامه رئیس جمهور صبح پنجشنبه مطرح شد که من اصلاً از آن اطلاعی نداشتم... و در راه قم از اخبار ساعت ۱۴ این پیام را شنیدم و چون به عنوان سخنگوی شورای نگهبان انتخاب شده‌ام باید مطلبی را که مطرح می‌کنم بر اساس مشورت با اعضای شورای نگهبان باشد لکن در نماز جمعه... نمی‌توانستم راجع به اظهارات مهم حضرت امام شایسته صحبت کنم.” (سازش) امامی کاشانی در توضیح مغایرت، که دکلاشته شورای نگهبان با موضوع اخیر خمینی گفت: “مطلبی که اخیراً امام امت فرموده‌اند درست است که در درسیان بوده است ولی حکم که نکرده بودند.”

مهدوی، کتی دبیر کل “جامعه روحانیت مبارز تهران” نیز موضع مشابهی گرفت و کوشید به نحوی از اهمیت که جناح مقابل برای نامه خمینی قائل شد، بکاهد. وی در مصاحبه‌ای با “تهران تایمز” گفت: “به نظر من پاسخ حضرت امام به نامه آقای خامنه‌ای نظر جدید حضرت امام نبود. یعنی اگر کسانی با نظریات امام در کتاب حکومت اسلامی، ولایت فقیه ایشان آشنا باشند می‌ببینند این پاسخی که امام فرمودند عین همان نظریاتی است که امام در آن کتاب نوشتند اما چون بعضی‌ها یادشان رفته بود و یا آن کتاب را مطالعه نکرده بودند فکر کردند که امام چیز تازه‌ای را گفتند... مهدوی، کتی چهره معروف جناح “فقه سنتی” افزود: “منم است که نظریات حضرت امام مبنی بر این نیست که ولی امر می‌آید و می‌گوید که مضاربه و مزارعه در اسلام اصلاً منسوخ است.”

یک چنین چیزی را پیغمبر هم نمی‌تواند بگوید تا چه رسد به یک فقیه”

سایر سخنویان و ریفندکوبان جناح “رسالتی” هم وقتی از “شوکه” وارده به خود آمدند، سعی کردند عواقب ضربه وارده را به کمترین میزان ممکن محدود کنند. خود خامنه‌ای به توبه کتبی سپس ایراد مفضل در باب “اهمیت حکومت” در نماز جمعه دوم بهمن‌ماه روی آورد. صافی، دبیر شورای نگهبان، داماد آیت الله گلپایگانی و بازنتاب دهنده فقرات وی، نزد خمینی رفت و با اعلام وقاداری، این امتیاز

بقیه در صفحه ۵

## سینار ائمه جمعه برای بررسی موضع گیری خمینی

"انقلابش" را انجام داد. در این سینار علاوه بر سران ائمه جمعه، صانعی امام جمعه موقت قم، موسوی نخست و وزیر و توکلی مسئول دفتر خمینی نیز به سخنرانی پرداختند. گردهم آبی تهران پیش از ورود ادامه نیافت. قطعنامه پایانی در هفت بند صادر و در آن "صراحت و روشنی" پاسخ خمینی به خامنه ای مورد تاکید واقع شد. خمینی در نامه خود، از ائمه جمعه خواسته بود "مساله ولایت فقیه را تعقیب و برای ناآگاهان روشن کنند."

رسانه های دولتی هیچ گونه اشاره ای به حضور خامنه ای، امام جمعه تهران و یا موضع گیری وی در قبال سینار ائمه جمعه نکردند.

روز دوشنبه ۲۸ دیماه، ائمه جمعه سراسر کشور در تهران در محل ساختمان کمیته مرکزی پاسداران گردهم آمدند تا نظرات خمینی در قبال اظهارات خامنه ای پیرامون مساله ولایت فقیه را بررسی و تبیین کنند. سخنران اول این سینار، مشکینی امام جمعه قم و رئیس مجلس خبرگان بود. وی با اشاره به عدم جدایی "دین از سیاست" و "حدود و شعور حکومت اسلامی"، "ولایت مطلقه فقیه" را از مبانی اولیه حکومت اسلامی خواند. سخنران بعدی موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و نفر سوم، طاهری امام جمعه اصفهان بود. طاهری ضمن تاکید بر "مظلومیت دولت"، اظهار کرد که خمینی باید لحظه به لحظه جلو می آمد اما صبر کرد و سرانجام

## آزمون دانشگاه ها، دامی سر راه دانش آموزان برای کشاندن به چینه

چون ظرفیت پذیرش بهمن ماه (نیمسال دوم تحصیلی) باشند و این دسته حق انتخاب و استفاده از ظرفیت پذیرش همراه را ندارند. بنابه اظهارات معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش، محدودیت و ضوابط فوق شامل "رزمندگان" نمی شود و داوطلبانی که تا ۲۱ شهریور ۶۷، حداقل ۶ ماه در چینه حضور داشته باشند مشمول تمام مزایای "همیه رزمندگان" خواهند بود.

طبق ضوابط فوق دانش آموزان کلاس چهارم بر سر این انتخاب قرارداد می شوند که بعد از ثبت نام در اسفندماه، تا ۲۱ شهریور در صورت تجدید، تا بهمن ماه با ۶ ماه حضور در چینه، چنانچه کشته نشوند، از "همیه رزمندگان" برخوردار گردند. به "رزمندگان" نیز همه گونه قول قبولی داده می شود.

آزمون ورودی مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها، کشور در سال تحصیلی ۶۷-۶۸، روزها، دوم، سوم و چهارم تیرماه سال آینده برگزار خواهد شد. معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش کشور ضمن اعلام خبر فوق، گفت: ثبت نام داوطلبان از اول اسفندماه آغاز می شود. وی همچنین اظهار داشت: اسامی نیز داوطلبان مانند سالهای گذشته در چهار گروه آزمایشی ریاضی، فنی، تجربی، علوم انسانی و هنر امتحان خواهند داد. از وجوه تمایز کنکور آتی نسبت به سالهای گذشته، حق شرکت داوطلبان در گروه هنر و مسئله انتخاب رشته تجدیدشدگان سال آخر دبیرستان در خردادماه است. بر اساس ضوابط جدید، داوطلبانی که در شهریورماه سال ۶۷ در دبیرستان قبول می شوند، باید رشته هایی را انتخاب کنند که

## پادداشت تبادل اطلاعات امنی تهران، اسلام آباد امضا شد

مفاد یادداشت آبان ماه سال جاری طرفین را که خود ابروانی آن را امضا کرده بود به وی یادآور شد.

ایروانی در این دیدار با اشاره به موافقت نامه مالیاتی شرکت مشترک کشتیرانی "فرندشپ" حمل کالا از بندر کراچی و صادرات غیر نفتی، اظهار امیدواری کرد که با پی گیری های خود به عنوان مسئول اجلاس مشترک دو کشور، زمینه اجرای یادداشت منعقد را فراهم سازد. وزیر اقتصاد و دارایی همچنین تاکید کرد "ایران آمادگی دارد بیشتر از توافق حاصله در سومین اجلاس کمیسیون مشترک، نفت مورد نیاز پاکستان را تامین کند.

هفته گذشته در پایان اجلاس هیات های کارشناسی سه کشور جمهوری اسلامی، پاکستان، ترکیه (اگو) یک یادداشت تفاهم همکاری در زمینه تبادل اطلاعات امنی و علمی و مسایل دریایی به امضا رسید. همزمان با حضور هیات کارشناسی جمهوری اسلامی در اسلام آباد، یک هیات پارلمانی ایران نیز سرگرم دیدار و گفتگو با مقامات پاکستانی بود. در این ملاقات ها روابط دو جانبه و مسایل افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

پیش از سفر هیات ایرانی به پاکستان، نشویر احمد جان سفیر پاکستان در تهران با ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی دیدار و عدم اجرای

## مسئول اداره ای که در آن کارمند "بدحجاب" باشد به زندان محکوم می شود

خواهد شد. سرپرست دادسرای انقلاب اسلامی همچنین گفت: "در راستای این طرح برناحیه ها، تعزیر، جریمه نقدی و انفصال ۶ ماه تا ۲ سال و اخراج دائم برای افراد شاغل و برای کسانی که شاغل نیستند تا ۵ سال محکوم به محرومیت از اشتغال به اجرا در خواهد آمد." طبق سخنان زرگر، قروشدگان پوشاک نیز مشمول طرح مبارزه با بدحجابی خواهند بود.

زرگر، سرپرست دادسرای انقلاب اسلامی هفته گذشته در سخنان اعلام کرد: "با اجرای طرحی بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، به زودی با عاملین متکرات در تهران برخورد قاطع و قاطع خواهد شد." وی توضیح داد طبق طرح مذکور، از این پس "چنانچه در اداره ای با فرد بدحجابی مواجه شویم، مسئول آن اداره نیز به دلیل عدم کنترل دقیق به یک سال تا سه سال زندان و انفصال خدمت محکوم

## ۶۰ درصد محصول گندم کشاورزان

### کشور در خطر نابودی است

به نظر کارشناسان وزارت کشاورزی، چنانچه با افت سن گندم مبارزه جدی و هماهنگ صورت نگیرد، ۶۰ درصد محصول گندم اسام کشاورزان از بین خواهد رفت.

در این زمینه، هفته گذشته اوسوی روابط عمومی اداره کل کشاورزی استان تهران اطلاعیه ای صادر شد و در آن نظر کارشناسان مبنی بر شیوع آفت سن غلات در کلیه استانهای کشور تایید گردید. در این اطلاعیه آمده است: مهار و کنترل آفت سن در سالهای اخیر در بعضی مناطق با مشکلاتی روبرو بوده و حتی در تهران نیز عایه آن مبارزه پیچیده شده است. بر اساس این اطلاعیه، عدم تدارک خدمات و تامین هواپیمای سمپاش یکی از علل شیوع و گسترش این آفت بوده که در شرایط فعلی نیز فقدان همین تجهیزات، مهار آن را مشکل تر ساخته است. طبق نظر کارشناسان در صورت غفلت و عدم مهار شیوع روز افزون این آفت در مزارع گندم، خطر نابودی محصولات ابعاد وسیعتری خواهد یافت.

## ولایتی به منظور تدارک سفر تورگوت

### اوزال به ایران به آنکارا می رود

خبرگزاری رویتر به نقل از منابع وزارت امور خارجه ترکیه اعلام کرد علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، ماه آینده به منظور انجام مذاکره با مقامات ترکیه راهی آنکارا خواهد شد. بنا به گزارش رویتر، سفر ولایتی در بهمن ماه صورت خواهد گرفت و در پی آن تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه، از تهران دیدار خواهد کرد.

ولایتی علاوه بر تدارک سفر اوزال به تهران، قرار است در آنکارا با مسعود یلماز وزیر امور خارجه و سایر مقامات ترکیه نیز دیدار کند. در این دیدارها، جنگ ایران و عراق، مبادلات تجاری و موضوع خط لوله نفت هواژ-مدیترانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. قرارداد ۴ میلیارد دلاری خط لوله نفت ایران-ترکیه دو هفته پیش در آنکارا به امضا رسید. یکی از اهداف سفر اوزال به تهران امضای سند نهایی این قرارداد است که ارزش آن به تنهایی دو برابر حجم مبادلات فعلی تهران و آنکارا است.

## باز هم اعداد خیابانی

در هفته گذشته جیراز به اعداد خیابانی در تهران کلاف سه روز دادیم، اعدادهایی که رژیم با کمک آنها می کوشد ضمن سواستفاده از چشم و ثغرت به حق مردم از تروریستهای بسبب گذار، جنایات خود و به ویژه اعدام زندانیان سیاسی را توجیه کند.

در روز دوشنبه ۲۸ دیماه نیز به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، یک نفر در میدان نمین (تویخانه) تهران سه تن دیگر در باجتران در ملاطع به دار آویخته شدند. اتهام این چهار تن جاسوسی برای عراق و بسبب گذاری برده است.

## ادامه عملیات جنگی در خلیج فارس و در جبهه‌های جنگ

کمیونست سنا با تحریم رای گیری پیرامون تقاضای دولت رم برای تسویب بودجه واحد نیرو، دریایی این کشور در خلیج فارس توانستند مانع تصویب این بودجه در مجلس قانونی ۶ روزه شوند. اکنون دولت ایتالیا ناچار است تقاضای منهدمی به پارلمان ارائه دهد.

در هفته گذشته یزد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد پیشنهاد از سرگیری سفرهایش به تهران و بغداد و میانجی‌گری برای برقراری آتش‌بس، گفت تنها به شرطی آماده از سرگیری مذاکرات است که جمهوری اسلامی و عراق به وی اطمینان دهند مأموریت او چشم انداز موفقیت دارد. یزد و کوئینار که پس از بازگشت محلاتی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل از تهران با وی مذاکره کرد، افزود: "منی‌خواهم از من بعنوان وسیله‌ای برای ائتلاف وقت و یا در حالیکه تغییر واقعی صورت نمی‌گیرد، برای وانمود کردن اینکه تغییری در حال انجام است، استفاده شود." همچنین یک دیپلمات عالی‌رتبه سازمان ملل اظهار داشت یزد و کوئینار پس از چند بار تلاش برای میانجی‌گری، دیگر گمان نمی‌کنند میان جمهوری اسلامی و عراق توافق برای پایان دادن به جنگ حاصل شود.

### زنده باد صلح، زنده باد آزادی

مرگ بر خمینی



کشتی حامل سنگ آهن بران عربستان سعودی بود. روز شنبه ۴ بهمن "قایق‌های تندرو" سیاه پاسداران با حمله به یک نفتکش دانمارکی، برآمار کشتی‌هایی که طی هفته در خلیج فارس هدف قرار گرفتند، افزودند.

عراق نیز در روز جمعه سوم بهمن ماه، خیراز حمله به یک "هدف بزرگ دریایی" در سواحل ایران داد. منابع کشتیرانی گزارش دادند این حمله متوجه کشتی نروژی "هارپیل" بود. این کشتی از ترمینال نفتی "جیل‌علی" در دوی کاز مایه بار زده و عازم بندرعباس بود که در نتیجه هرز مورد حمله قرار گرفت.

در هفته گذشته گزارش از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد افشار یافت که در آن شمار حملات به کشتی‌های غیرنظامی در خلیج فارس در سال ۱۹۸۷، ۱۶۷ مورد اعلام شده است. این رقم در مقایسه با رقم مشابه سال ۱۹۸۶، یعنی ۱۰۱ مورد، بیش از ۶۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

ژیر و وزیر دفاع فرانسه در هفته گذشته اعلام کرد "بخشی" از سه کشتی مین‌بایی که این کشور در ماه سپتامبر به دریای عمان فرستاده بود، منطلقه راترک کرده است. وی افزود در مقایسه با تشنجات میان فرانسه و جمهوری اسلامی در تابستان گذشته و در هنگام اعزام ناوگان فرانسه به خلیج فارس، اوضاع آرامتر شده است. ژیرو از پاسخ مسئولی در مورد احتمال فراخواندن ناو هواپیمابر "گلیانوس" از منطقه خودداری کرد. همچنین روزنامه تایمز چاپ لندن گزارش داد، بریتانیا، بلژیک و هلند در صدند شمار کشتی‌های مین‌بای خود در خلیج فارس را به نصف کاهش داده و ماهی کشتی‌ها را تحت یک فرماندهی مشترک قرار دهند. در ایتالیا، نمایندگان

از سرگیری حملات قایق‌های توپدار ایرانی و هواپیماهای عراقی به کشتی‌های غیرنظامی در خلیج فارس، که خبر آن در شماره گذشته درج شد، طی هفته گذشته نیز ادامه داشت. در جبهه زمینی نیز بنا به گزارش‌های منتشره از سوی ایران و عراق تبادل آتش در جبهه‌های شمالی و میانی برقرار بود. اخبار رادیو جمهوری اسلامی حاکی از آن بود که نیروهای رژیم ضمن تداوم عملیات در منطقه ثفر ۵، به عملیات تازه‌ای به نام "بیت المقدس ۲" دست زده‌اند. این عملیات روز جمعه در منطقه جبهه شمالی اطراف استان سلیمانیه اجرا شد. طی هفته گذشته در حالی که رسانه‌های رژیم در تهران خبر او کشته و زخمی و اسارت "هزاران عراقی" در این عملیات می‌دادند، عراق اخبار مذکور را تکذیب کرد و اعلام داشت مناطقی که جمهوری اسلامی ادعای تصرف آنها را دارد، کماکان در کنترل نیروهای عراقی است. جمهوری اسلامی مدعی است که در عملیات بیت المقدس ۲، ۱۲۰ کیلومتر از خاک عراق را اشغال کرده است.

روز پنجشنبه اول بهمن ماه رژیم عراق اعلام کرد نیروی هوایی این کشور در حمله سنگینی به جزیره ایرانی لوان تاسیسات نفتی این جزیره را به آتش کشیده است. در این زمینه در اخبار جمهوری اسلامی هیچ گونه گزارشی ارائه نشد.

به گزارش منابع کشتیرانی در نامه پایتخت به برین، "قایق‌های تندرو" جمهوری اسلامی به تلافی حمله عراقی‌ها، روز جمعه سوم بهمن اشتباها به کشتی نروژی نه کاز بوتان و پرویان برای ایران حمل می‌نمود، حمله کردند. چند ساعت بعد نیز، کشتی باری "توپاز" که با پرچم پاناما حرکت می‌کند، هدف آتش قایق‌های سیاه پاسداران قرار گرفت. این

### "ولایت مطلقه"

بقیه از صفحه ۲

را گرفت که خمینی بگوید "نهاد شورایی نه‌بها همیشه مورد تایید اینجانب بوده است و به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد". روزنامه رسالت، منوسل به "قرار به جلو" شد و سلسله مقالات مفصلی درباره "تغذیرات حکومتی" و "حکم حکومتی" به قلم آذری قمی به چاپ رساند. این روزنامه در بالای سرمقاله‌اش نوشت: "عاشق بر قهر و بر مهرش به جد - ای عجب من‌عاشق این مرد دودش" و تاکید کرد هر قدر هم از خمینی سرزنش بشنود، نسبت به او وفادار خواهد ماند. برخی او آخوند‌های "رسالتی" هم کوشیدند لبه‌تیزو "تغذیرات حکومتی" را به طرف رقبای برگردانند و در مورد دودیه‌های وابستگان به جناح مقابل در دستگاه دولتی، دست

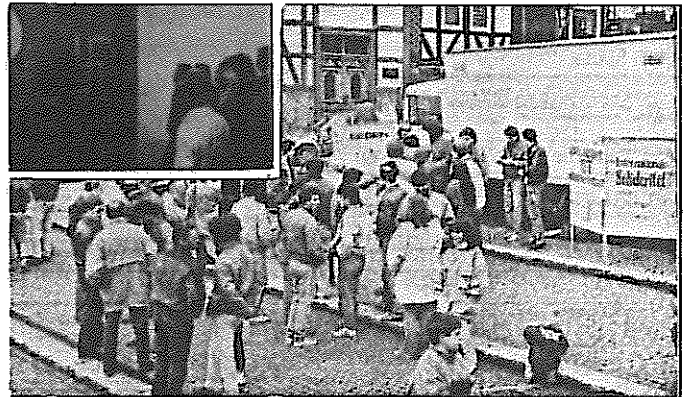
به افشاکری زدند. (مقاله "رقابیت‌ها از غارتگری‌ها برده برمی‌گیرد" را در همین شماره بخوانید)

در بالا کوشیدیم در ادامه مقالات شماره‌های اخیر، فشرده‌ای از رویدادهای مربوط به کمک‌های درون حکومتی در دوره اخیر و نتیجه‌ای که فعلا از آن حاصل شده است، ارائه دهیم. این کمک‌ها با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس، کماکان ادامه خواهد یافت. تجربه چند ساله نشان می‌دهد که عامل تعیین کننده سرنوشته مبارزه دو جناح، یعنی موضع‌گیری خمینی، عامل ثابتی نیست که همواره و در همه جا، به سود یک جناح عمل کند. در این زمینه دستور خمینی به مجلس در سال ۶۲ که صریحا گفت مجلس نباید قوانینی را تصویب کند که شورای فکهران آن را لغو خواهد کرد، قابل یادآوری است. در حال حاضر، خمینی صلاح را بر این دیده است که بر اساس ارزیابی خود از

مصالح کل‌رژیم، او یک جناح حمایت کند، ضمن آنکه نمی‌خواهد کار به حذف جناح مقابل بکشد. در کمک‌های معینی که بر سر اختیارات دولت در عرصه اقتصاد جاری است، موضع‌گیری صریح خمینی میدان مانور را برای یک جناح باز کرده است. انتخاب این اقدام، تثبیت کل رژیم سرکوبگر و پاسدار غارت سرمایه‌داری است. به نظر می‌رسد جناح طرفدار غارت لجام کسینخته و بدون هیچ‌گونه محدودیت نیز، اگر "هم ضرورت زمان" را که خمینی تشخیص داده است، در نیافته باشد، لاف‌ها حاضر است به حکم او گردن نهد. "ولایت مطلقه" خمینی اکنون ظاهرا مورد پذیرش آنهایی نیز هست که تا دیروز، "رساله عملیه" را بالاترین حکم که چیزی نمی‌تواند آن را نقض کند، می‌دانستند. خمینی به آنها فهمانده است که حفظ حکومت چهل و چنانیت، مهمتر از هر دکم ملامتی، و مهمتر از

منافع اقتصادی، "خانه مدت" تبار محترم است. "ولایت مطلقه"، و به ویژه طرح آن در شرایط کنونی، در شرایط "درماندگی مطلق" رژیم در جنگ، در شرایطی که اگر تغییری صورت نگیرد، تیرازه اقتصاد از هم خواهد پاشید و رکار به "لقیان فقرا" خواهد کشید، در شرایطی که نفرت مردم از رژیم آخوندی پیوسته فزونی می‌گیرد، بازتاب ضعف رژیم است و نه قدرتش. خمینی در شرایطی مانند لوئی چهاردهم، پادشاه مستبد فرانسه می‌گوید "دولت یعنی من" که این دولت، در ژیر بار بی‌پستی که خود ایجاد کرده، کمر خم کرده است. آیا "ولایت مطلقه" در نجات خود از این فلاکت موفق خواهد بود؟ پاسخ این پرسش، برای کوتاه مدت هر چه که باشد، در نهایت منفی است. رژیم ولایت فقیه هرگز نخواهد توانست بحران خود و بحران نظام غارتگر سرمایه‌داری را حل کند.

## «آدولف اینجا بود»



به دنبال حمله گروهی از نژادشایستگان به خوابگاه و مدرسه پناهندگان در شهر وولفهاگن آلمان فدرال یک حرکت اعتراضی ضد فاشیستی از سوی پناهندگان ایرانی و افراد آلمانی شکل گرفت. نژاد پرستان فاشیست ضمن حمله خود بر دیوار نوشته بودند "آدولف اینجا بود" در حرکت اعتراضی پناهندگان، تعداد زیادی اعلامیه توضیحی، شعر مهاجر از برشت، و اعلامیه‌ای حاوی عکس‌های مشاهیر آلمانی همچون آلبرت اینشتین، زیگموند فروید، توماس مان، برتولت برشت، ویلی برانت و... که در زمان سلطه فاشیسم خردپناهند سیاسی بودند توزیع گردید.

## تروویست‌های خمینی در پاکستان

در تاریخ ۱۶ دسامبر (۲۵ آذرماه) شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان (کراچی) با ارسال نامه سرکشاده‌ای به مسئولین دفتر شعبه پناهندگان سازمان ملل در کراچی (UNHCR)، تحت عنوان "در باره تحرکات تروویستی مزدوران رژیم حاکم بر ایران در پاکستان" آقایان رادرجریان خیر اعزام تعدادی از مزدوران جمهوری اسلامی جهت اجرای یک سری عملیات تروویستی در پاکستان قرار داد. در این نامه که بخشی از آن در بولتن شماره ۲۲ کانون پناهندگان ایرانی - کراچی نیز چاپ شده، آمده است: "تعدادی از افراد این باند تروویستی مدتی قبل از طریق مرزهای زمینی پاکستان، احتمالاً برای شناسایی اولیه تعدادی از پناهندگان و آوارگان، بالاحص هموطنان بلوچ، وارد شهر کراچی شده بودند، هم اکنون برای مرتبه سوم است که این مزدوران در شهر کراچی و عمدتاً در مناطق لیاری، لالوکیت، لی مارکیت و ناظم آباد مشاهده شده‌اند. نام تعدادی از تروویست‌های صادراتی رژیم، که اخیراً در خیابان‌های کراچی دیده شده‌اند به شرح زیر می‌باشد: ۱- امینی رئیس سپاه پاسداران پیشین - بلوچستان

۲ - احدیور (یکی از همدستان مؤدوران قربانی انفجار بمب در هتل بلوم استار - کوئته)

۳ - محمدعلی کشاورز (عضو سپاه پاسداران زاهدان - بلوچستان)

۴ - حاجی باقر (یکی از مؤدوران رژیم در چاه بهار)

۵ - سراج (از شکنجه‌گران رژیم در زاهدان)

۶ - حکیم تیموری (از مؤدوران رژیم در بسنج عشایر و از مسئولین به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در زاهدان)

تروویست‌های صادراتی رژیم خمینی که در تابستان گذشته پاکشته و زخمی کردن چند تن از پناهندگان ایرانی در کوئته و کراچی فاجعه آفریدند، اکنون در صدد اجرای توطئه‌های جدیدی هستند. حکومت چقایستکار جمهوری اسلامی که صدای مخالفین را در خارج از مرزهای ایران هم نمی‌تواند تحمل کند، با صدور تروویست‌های خودبه کشورهای مختلف و شناسایی مبارزین ایرانی در این کشورها تلاش می‌کند تا در صورت امکان علاوه بر زود بند با رژیم‌های ارتجاعی و دول امپریالیستی، راسانیو عرصه افشاگرتهای سیاسی نیروهای مرفقی ایرانی را تفکک کند.

## انتخابات و جناحها، انتخابات جناحی

بقیه از صفحه آخر

محتشمی در این باره گفت: "سلامت کار - مقدمات انتخابات به هماهنگی میان قوه مجریه و هیاتهای شورای نگهبان در جهت اجرای نظر ولی فقیه مربوط است. قوه مجریه و شورای نگهبان دوبال یک پرده قوی هستند که باید این دو بازوی پر قدرت در یک جهت که همان جهت حق است حرکت کنند و اینفلور نباشد که یک بال این پرده قوی به یک طرف و بال دیگر بطرف دیگر حرکت کند."

مهدوی کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران در مصاحبه‌ای با تهران تایمز، که در روزنامه رسالت ۲۱ دیماه با زتاب یافت، ضمن پذیرش مسئولیت وزارت کشور، وزیر کشور و قوه اجرائی را به عدم بی طرفی متهم می‌کند و می‌گوید: "وزارت کشور مسئولیت رسمی دارد. اگر سخن وزیر کشور یا استانداری یک جهت‌گیری خاصی باشد، پیداست از همین حالا بی طرف نیست." دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران در عین حال برای تبلیغات روحانیون، محدودیت کمتری قائل است و در این خصوص اظهار می‌کند: "روحانیون مسئولیت رسمی ندارند." وی همچنین احتمال ائتلاف با دفتر تحکیم وحدت و ارائه یک لیست ائتلافی را غیرممکن اعلام می‌کند.

در این میان، خانجالی، جلال دلفک رژیم و معارض جناحی جناح رسالت، خواهان علنییت در مذاکرات مخفی بر سر لیست‌های ائتلافی شد و طی سخنانی در مجلس گفت: "من از آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی که در رأس روحانیت مبارز تهران قرار دارند خواهش می‌کنم که جلسات سری تشکیل ندهند بلکه جلسات علنی باشد، افکار معین باشد. در آینده اگر کاندیدا می‌دهند کاندیداهایشان را بقبولند که این عقیده آقای هاشمی و آقای خامنه‌ای و آقای مهدوی کنی است و یک مساله مجلسی در کار نباشد." (کیهان ۲۲ دی)

حساسیت انتخابات سومین دوره مجلس برای دست اندرکاران حکومت، حساس بودن مقدمات آن را باعث شده است و این خود به معنای تشدید درگیری و تقابل درون حکومتی، به معنای بازتاب علنی اختلافات، به معنای کنار رفتن باز هم بیشتر پرده‌ها، به معنای آگاهی بیشتر مردم است.

حکومتی به پست‌ها و مواضع "استراتژیک در تاثیرگذاری بر امر انتخابات و ترکیب هیئت‌های نظارت بر انتخابات چشم دوخته‌اند. در چنین فضائی امامی کاشانی رئیس هیئت نظارت بر انتخابات، سپنار ۲ روزه‌ای از هیئت‌های نظارت شورای نگهبان بر انتخابات سومین دوره مجلس ترتیب می‌دهد و در این سیفار صریحاً به واقعیت جناحی بودن اقدامات مسئولین رژیم اعتراف می‌کند. وی گفت: "از هر استان ۵ نفر به عنوان نظارت بر انتخابات از سوی شورای نگهبان منصوب شده‌اند که این عده از نقاط مختلف کشور انتخاب شده‌اند و اهتمام بر این است که به هیچ وجه به هیچ جناحی گرایش نداشته باشند. اگر چنین موردی پیش آمد، سعی می‌کنیم یک نفر را که جناحین را قبول داشته باشد و ۲ نفر از یک جناح و ۲ نفر از جناح دیگر که به نحوی متعارض هم‌دیگر نباشند را انتخاب کنیم." (رساله ۱۷ دیماه)

کناکش جناحی بر سر انتخابات مجلس، به کشاکش کنونی جناحها در هیئت‌های نظارت برگزیده از سوی شورای نگهبان مغرور شده است. ۲ نفر از یک جناح و ۲ نفر از جناح دیگر - به شرطی که این ۲ نفر یک جناح به "نحوی متعارض هم‌دیگر نباشند" - و ۲ نفر میان جناحین.

اما مشکل جناحها با "دستیابی" به این فرمول خنثی بر طرف نمی‌شود. مسئله پیش از اینکه برگزیدگان و منصوبین "هیاتهای نظارت انسانها" باشد، حدود اختیارات و اعمال نظر شورای نگهبان و وزارت کشور است. خامنه‌ای رئیس جمهور بر نقش بیشتر شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات تاکید می‌کند و آثرا یگانه نهاد صالح در این امر معرفی می‌نماید. خامنه‌ای در این باره گفت: "بخاطر سلامت انتخابات شورای نگهبان بر آن نظارت می‌کند و شاید هیچ نهادی در هیچ جائی وجود نداشته باشد که به اندازه شورای نگهبان ضریب اطمینان مردم را ایجاد کند." خامنه‌ای در عین حال جناح مخالف را تهدید کرد و گفت: "هر کسی که بخواهد این جو را ناسالم کند... محکوم است" مقابلتاً محتشمی وزیر کشور، با افزایش نقش وزارت کشور در امر نظارت بر انتخابات از شورای نگهبان می‌خواهد تا هماهنگی با قوه مجریه را بپذیرد و آن اقدامات - کاملاً مستقل بر میز کند.

بقیه از صفحه اول  
تذیب هراسان شرافتمندی، به سختی  
فشرده می شود.

بنابراین آمار دایره بین المللی کنترل مواد مخدر وابسته به سازمان ملل متحد طی سالهای ۶۲-۶۳ در ایران حداقل ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و ۱۰۰ هزار نفر به هروئین معتاد بوده اند. این ارقام طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته اند و اکنون در سال ۶۶ ابعاد آن به مراتب وسیعتر یافته اند. وقتی که تنها در روستای یامپی در ترکمن صحرا ۵۰ درصد جوانان و میانسالان و از جمله زنان معتاد و بعضاً عامل فروش مواد مخدرند (اکثریت ۱۹۰)، وقتی که در خیابانهای زاهدان، گنبد و محلاتی مانند خاک سفید و خیابان جمشید سابق، چهره اعتیاد در هر کوچه و کناره نمایان است و عاملین توزیع و فروش در کارند، به آسانی می توان ابعاد هولناک این فاجعه اجتماعی را دریافت. و باز به آسانی می توان رد پای دست اندرکاران حکومتی و ارگان ها را در گسترش و توزیع اعتیاد و مواد مخدر مشاهده کرد.

طبق اظهارات رئیس اداره امنیت و قاچاق ژاندارمری کشور، طی سالهای پس از سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی حجم کشفیات و تعداد متهمان دستگیر شده در رابطه مواد مخدر نسبت به سالهای قبل از آن "تا ۵۰۰ درصد افزایش داشته است." (کیهان ۲۲ دی ۶۶) این افزایش ۵۰۰ درصدی در حقیقت حاکی از رشد پانصد درصدی اعتیاد به تریاک است. چرا که ابعاد اعتیاد و قاچاق مواد مخدر طی این سالها نه تنها کم نشده، بلکه به مراتب وسیعتر از گذشته شده است. اظهارات مسئولین مربوطه و اخبار مندرج در صفحات روزنامه های حکومتی نیز گویای این واقعیت اند.

نه مصوبه شورای انقلاب مبنی بر ممنوعیت کشت خشخاش و نه چارو جنجال های دلکدک مسخره ای چون خلخال جلادونه تهدیدها و خلدون نشان کشیدن های هراژگامی مسئولین حکومتی هیچیک قادر به جلوگیری از روند اوج گیرنده اعتیاد نبوده اند.

در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران شیش، تریاک و هروئین به فراوانی یافت می شوند. کافی است که معتاد پول کافی جهت پرداخت بخرای مواد مورد نیاز خود داشته باشد. به گفته یک معتاد "اگر چه خیابان جمشید (تهران) امروز خیابان دیگری است، نام دیگری هم دارد... اما امروز هم می توان در این خیابان راحت مواد مخدر تهیه کرد." بر اساس گزارشی در کیهان: قیمت یک بسته ۵ سانتی هروئین به قیمتی حدود یک پنجم چند ماهه قبل رسیده است. این ارزشی ناشی از فراهم آمدن زمینهای وسیعتر جهت وارد کردن یا تولید مواد مخدر و در نتیجه عرضه بیشتر آن در جامعه است.

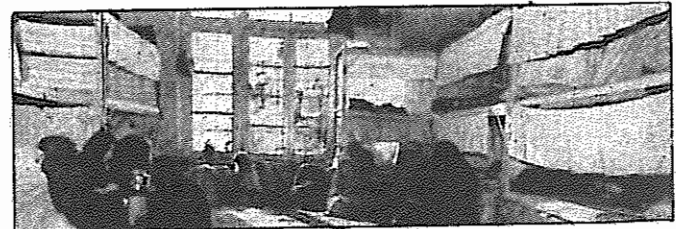
## اسیران اعتیاد



آسایشگاه معتادین در یک "مرکز بازی روی"

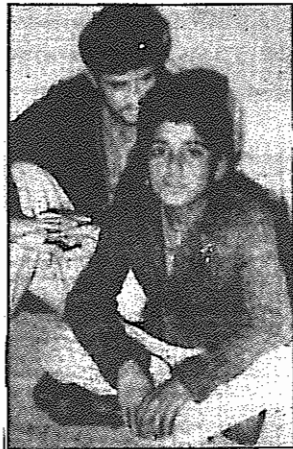
در جمهوری اسلامی نیز همچون رژیم سلطنتی جوانان قربانیان مقدم اعتیادند. بنابه اعتراف دست اندرکاران و از جمله مسئولان زاهدان های عمومی و مواد مخدر استان تهران و حومه: "الآن قشر جوان بسیار به اعتیاد کشیده می شود. جوانان ۱۹-۱۸ ساله بسیاری الان گرایش به مواد مخدر دارند."

ناهنجاری های اجتماعی منتج از نظام سرمایه داری، در سال های اخیر به علت استقرار استبداد مذهبی و گسترش اختلاف، افزایش عظیم بیکاری و جنگ خانمانسوز رشد سرسام آوری داشته اند. این ناهنجاری ها چنان شرایط زیستی و روانی دشواری را به جوانان تحمیل کرده اند که به گسترش اعتیاد می باید



زنان معتاد در یکی از بندهای زندان قصر

بمقابله یکی از نتایج اجتناب ناپذیر آن نگرینست. در کشور ما اعتیاد به تریاک یک بیماری مهلک اجتماعی عموماً بر جان اقشار تنگدست و محروم جامعه چنگ انداخته است، زیرا هم ایفانند که بیشترین محرومیت را متحمل می شوند و دردها و مشکلاتشان پایان ناپذیر است. نگاهی به گزارشات درج شده در نشریات رژیم در ارتباط با مواد مخدر در صفحه حوادث روزنامه ها نشان می دهد که اغلب اسیران اعتیاد از اقشار تنگدست و از ساکنین محله های فقیر نشین تهران اند. یک دختر ۲۰ ساله معتاد پرورش یافته در یک خانواده فقیر شغل پدرش فروگر، یک پسر ۲۲ ساله معتاد، از اهالی جوادیه، شغل پدرش خیابان. دو برادر ۱۲ و ۱۶



یک کودک ۱۲ ساله معتاد

روحیه آنها را تخریب می کند که هیچ تضمینی جهت مبارزه واقعی شان با هیولای اعتیاد وجود نداشته باشد. شورآباد یک زندان واقعی است. معتادینی که ترک اعتیاد می کنند، پس از آزادی از امر ترک اعتیاد، عموماً از امکان بدست آوردن شغل و ادامه زندگی با حداقل امکانات زیستی محروم اند. آنها در کرداب بیکاری، فقر و گرسنگی رها می شوند و بسیاری شان مجدداً از زندگی می گریزند و به اعتیاد پناه می آورند. در مراکز "بازپروری" معتادینی دیده می شوند که بیش از ده بار ترک اعتیاد کرده و مجدداً معتاد شده اند!

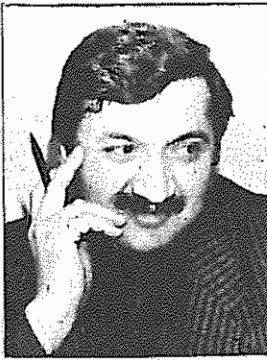
مدیر کل دفتر سرپرستی و ارشاد سازمان بهزیستی می گوید: "در حال حاضر ما این امکان را نداریم که بعد از خروج فرد معتاد از مرکز بازپروری، فاکتورهای راکه در برون از جامعه باعث شده است که فرد به اعتیاد کشیده شود از بین ببریم... آری، در جمهوری اسلامی "امکان" از بین بردن این "فاکتورها" وجود ندارد و هیئتگاه نیز بوجود نخواهد آمد. جمهوری اسلامی خود مسبب اصلی رواج اعتیاد و قاچاق مواد مخدر است. فشار شدید مالی و تنگدستی در سایه حکومت خمینی بسیاری از معتادان را به قاچاق مواد مخدر وا می دارد. همسر یکی از معتادین "شورآباد" در گفتگو با خبرنگار کیهان مورخ ۲۴ دی ۶۶ می گوید: "شوهرم از اول معتاد بود ولی تا وقتی که با چرخ دستی کار می کرد، فقط خودش می کشید ولی وقتی مامورین پیرخشو گرفتند شروع کرد به بیخس مواد."

نظام جمهوری اسلامی همواره به تولید و بازرگانی اعتیاد می پردازد. معتادان نه اسیران اعتیاد که در واقع اسیران پاسداران نظامی هستند که جز بیکاری، فقر، گرسنگی، بی خانمانی و بی عدالتی هیچ دستاورد دیگری برای توده های مردم نداشته است.

ساله معتاد که در خاک سفید هروئین توزیع می کردند. یکی از ایندو می گوید "مادرم معتاده، پدرم وقتی زنده بود حمالی می کرد." یک زن معتاد ساکن خیابان جمشید سابق که از کودکی در خانواده آن معتاد بزرگ شد....

به همین ترتیب نسبت معتادان در مناطق محروم کشور ما نسبت به سایر مناطق بیشتر است و از اینروست که اعتیاد به مواد مخدر در شهرهایی همچون زاهدان چنان فراگیر می شود که حکومتیان آنرا بهشت معتادان می نامند.

در جمهوری اسلامی بجز زندانهای رسمی، زندان های دیگری نیز به نام مراکز بازپروری معتادان وجود دارد که او آن جمله اند مرکز کار درمانی کل تپه و مرکز بازپروری شورآباد. به گفته ساکنین مرکز بازپروری شورآباد، این مرکز کنجایش ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر را دارد اما هم اکنون بیش از ۲۰۰۰ نفر معتاد را در آن کنجانیده اند. این اسیران اعتیاد از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی محروم اند و فشارهای روانی ناشی از یک زندگی دشوار در شورآباد چنان



مهمت کاراجا

قائم مقام حزب کمونیست ترکیه

\* اعلام تشکیل حزب متحده کمونیست در ترکیه و اقدام دودبیرکل چه تاثیر، بر روی طبقه کارگر ترکیه به جافهاد؟

\* وحدت جنبش کمونیستی کام مهمی در راستای وحدت طبقه کارگر است. اگر اشتباه نکنم در کشورهای مختلفی در آستانه انقلابات چنین وحدتی بین کمونیستها برقرار شده است. اما ما در شرایط دیگران به امر وحدت، تحقق بخشیدیم. این حرکت هم برای خود ما مهم بود، هم برای کل جنبش کمونیستی. وحدت دوحزب سرمشقی است برای همه نیروهای چپ و ترقیخواه در ترکیه. دستخوش تفرقه‌اند. این امر بدان منتهی شده است. کجای در انتظار عمومی چهره چندان خوبی نداشته باشد. در چنین فضایی، اقدام ما در جهت وحدت، بازتاب نیرومندی در میان طبقه کارگر و نیز همه نیروهای دموکراتیک و روشنفکر یافته است. وحدت نه فقط خواسته کمونیستها، بلکه خواسته کل نیروهای دموکراتیک است. ما تا کنون تصویر انتصاب و تفرقه رابه نمایش نهاده‌ایم، اکنون باید سیمای وحدت بخش خود را بنمایانیم.

\* جنبش بین‌المللی همبستگی با کوتلو، سارگین و دیگر زندانیان سیاسی در ترکیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

\* مساله حقوق بشر را صرفاً در سطح ملی نمی‌توان مورد بررسی قرار داد. این یک مساله بین‌المللی است. واضح است که همه نیروها نخست باید به خاطر صلح، دموکراسی و حقوق بشر در کشور خودشان بزنند. ما در کشور خودمان چنین مبارزه‌ای را پیش می‌بریم و حرکت اخیر ما در این زمینه مورد حمایت همه نیروهای دموکراتیک در عرصه بین‌المللی قرار گرفته است. همبستگی با ما به عنوان

مصاحبه با مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه

## مهمت کاراجا: اراده انسانی بر شکنجه پیروز می‌شود

کنوانسیون پایبند است؟  
\*\* امضای کنوانسیون مذکور موفقیتی برای مردم ترکیه است. رژیم این کنوانسیون را امضا کرد، نه به آن دلیل که معتقد است باید به شکنجه زندانیان خاتمه داد. اقدام رژیم، که نوعی ظاهرسازی است، اقدامی از سراجهار بود.

\* اما رژیم اکنون دستخوش یک دوگانگی است. اگر کسی قرارداد منع شکنجه را امضا کند، باید مساله کنترل و بازرسی را بپذیرد و بنابراین رژیم اگر کنوانسیون را زیر پا بگذارد، دیگر یک طرف قرارداد محسوب نمی‌شود.

\* ترکیه بیستمین کشوری است که این کنوانسیون را امضا می‌کند. تا پیش از این، ترکیه و ایرلند، دو کشوری بودند که در چارچوب پارلمان اروپا از امضای این قرارداد، سرباز می‌زدند. رژیم ترکیه به اختیار خود، کنوانسیون منع شکنجه را امضا نکرد. اکنون هفت سال است که خلق ترکیه مساله شکنجه در زندانها را مطرح می‌کند و صدای خود را به خارج از مرزها رسانده است. هرگاه در مورد زیر پا گذاشتن حقوق بشر در کشور ما سخن می‌رود، نخست موضوع شکنجه مطرح می‌شود. موضوع به حدی مطرح است که اپوزیسیون قانونی در اولین اجلاس پارلمان ترکیه شیدا از حکومت انتقاد کرد که چرا قرارداد منع شکنجه را امضا نمی‌کند. بدینسان می‌بینیم که رژیم به خاطر اعمال شکنجه هم اداخل و هم از خارج زیر فشار بوده است.

\* اما چه فایده؟ شکنجه که همچنان اعمال می‌شود.

\* ما هنوز نمی‌دانیم که کنوانسیون منع شکنجه چگونه در عمل پیاده خواهد شد و چه کنترلی در این زمینه برقرار خواهد گردید. ما باید در عمل ببینیم که آیا این کنوانسیون در ترکیه اعتباری دارد یا نه. بنابراین متوزرود است که دست به یک قضاوت قطعی نزنیم. اما در مورد خود شکنجه، در هفت سال گذشته رفقا و هم‌زمان ما در زندان ثابت کرده‌اند که اراده انسانی بر شکنجه نیز پیروز می‌شود. امروز نیز ما همین سخن را تکرار می‌کنیم.

انتقال یافته است.

مضمون اقدام شجاعانه کوتلو و سارگین چه بود؟ اکنون جنبش دموکراتیک در ترکیه در چه موقعیتی قرار دارد؟ ظاهرسازی‌هایی همچون امضای قرارداد منع شکنجه از چه موضعی صورت گرفته است؟ مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه در مصاحبه‌ای با روزنامه "وارهایت" (حقیقت) ارکان حزب سوسیالیست متحده برلین غربی، به این پرسش پاسخ گفته است. در زیر گزیده‌ای از این مصاحبه را می‌خوانید.

بسیاری در میان همه اقشار خلق، پشتیبانی وسیعی از حرکت ما به عمل آوردند.  
\* اکنون در ترکیه، جنبش برقراری دموکراسی در چه وضعیتی است؟

\* در ظاهر امر، ترکیه دیگر آن ترکیه سه سال یا پنج سال پیش نیست. اما بی‌گردد و دستگیری همچنان برقرار است، دادگاههای نظامی و امنیتی همچنان کار خود را می‌کنند، قانون مرهوط به اتحادیه‌ها و سندیکاهای هم سرچای خود باقی است. ساخت حکومتی، که با کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ شکل گرفت، دست نخورده باقی مانده است. اما اگر اوضاع را با سه سال یا پنج سال قبل مقایسه کنیم می‌بینیم که در سطح یک روند برقراری دموکراسی در جریان است.

هیات حاکمه در ترکیه با خود چنین حساب می‌کند، ما ساخت دولت را آنگونه که هست حفظ می‌کنیم و تنها در این چارچوب گامهایی را به سمت دموکراسی برمی‌داریم. اما در عوض، نیروهای دموکراتیک می‌کوشند این چارچوب را در هم بشکنند. اقدام کوتلو و سارگین حرکتی بود در این جهت. ما می‌خواهیم چارچوبه مقرر کنان نهاده شود و روند برقراری دموکراسی یک گام کیفی به جلو بردارد. به نظر ما اقدام کوتلو و سارگین در خدمت ایجاد این تحول کیفی بود.

\* رژیم آنکارا کنوانسیون منع شکنجه پارلمان اروپا را امضا کرده است. آیا رژیم اوزال حقیقتاً به این

سه هفته پیش رژیم ترکیه قرارداد منع شکنجه پارلمان اروپا را امضا کرد. دو هفته پیش مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه در مصاحبه با تلویزیون آلمان دموکراتیک اعظم کرده زودی حیدر کوتلو دبیرکل حزب کمونیست ترکیه و نیهایت سارگین دبیرکل حزب کارگر ترکیه که در تاریخ ۱۶ نوامبر سال گذشته به ترکیه بازگشتند، در یک بیدادگاه، محاکمه خواهند شد و خبر هفته پیش این بود که رفیق کوتلو برای بار دوم به اثر شکنجه و فشار در زندان دچار سکت قلبی شده و به بیمارستان

\* از دوماه پیش تاکنون، حیدر کوتلو و نیهایت سارگین در جنگال رژیم ترکیه گرفتارند. خیلی‌ها می‌پرسند، آیا اصولاً بازگشت این دودبیرکل به ترکیه اقدام صحیحی بود؟

\* هنگامی که کمیته‌های مرکزی دو حزب تصمیم گرفتند کوتلو و سارگین به ترکیه بازگردند، برای کمان نبودند که نتیجه سهل‌الوصولی بی‌آمد این اقدام خواهد بود. اقدام ما با مخاطره همراه بود، همانگونه که دیدیم، اما برای این که در هموار کردن راه دموکراسی در ترکیه نقش خود را ایفا کنیم می‌بایست چنین تصمیمی اتخاذ می‌کردیم. این وظیفه ما بود که چنین گامی را برداریم. هدف این اقدام صرفاً قانونی کردن جنبش کمونیستی در ترکیه نیست. اگر هدف را تنها قانونی کردن بگذاریم، از زاویه تنگی به مساله نگاه کرده‌ایم. این گامی بود برای زدودن همه آن موانعی که بر سر راه برقراری دموکراسی گذاشته‌اند. ما به این اعتبار بر این عقیده‌ایم که تصمیم درستی اتخاذ کرده‌ایم.

ثانیاً، ما موفق شدیم توطئه سکوت در زمینه مبارزات کمونیستها را، که از ۶۵ سال تاکنون فعالیتشان غیرقانونی اعلام شده است، درهم بشکنیم و مساله حزب متحد کمونیستها را در اذهان عمومی، مطرح کنیم.

یک نکته دیگر که دلیلی بر صحت تصمیم‌گیری ماست از عده محدودی که بگذریم افراد و جریانهای



# توپ عليه خرد

نوشته: بهوگلی کوروشوند

«مقاله ابراهیم هستکی با نلسون ماندلا و مردم تحت ستم آفریقای جنوبی و ابراهیم هستکی با کلود میرو آلیدار همه ژندانیان سیاسی در شیلی است. و متقابلاً جنبش هستکی با مردم آفریقای جنوبی، شیلی و ایران خود نوعی ابراهیم هستکی با مردم ترکیه است. هستکی، هم دارای وجه ملی و هم وجه بین المللی است.

\* بسیاری از شهروندان ترکیه به دلایل سیاسی با اقتصادی در خارج از کشور، زندگی می کنند. روندهایی که در داخل کشور جریان دارد، چه تأثیری بر روی آنها به جامی گذارد؟  
\*\* امروزه ۲/۵ میلیون ترک در اروپای غربی به سر می برند. این عده بیشتر در آلمان فدرال اقامت دارند و برلین غربی جایی است که تمرکز ترکها در آنجا بیشتر از نقاط دیگر است. بسیاری از ایفان، مثلاً روستایی دارند و مطمئناً سطح فرهنگ دموکراتیکشان، همتراز با فرهنگ اروپای غربی نیست. اما بی گمان آنها از طبقه کارگر اینجا، این فرهنگ را می آموزند و خود را بطور کیفی تغییر می دهند. ترکهای مقیم خارج نیز از حرکت ما وسیعاً پشتیبانی کردند، چرا که نتایج و سمت سوی این حرکت همچنان با علائق آنهاست. آنها تحت ستم رژیم ترکیه اند. بسیاری از هموطنان ما در سدیکاها و یاد چغیش صلح فاعلند و از همین رواب طبع رژیم نیستند. آنها در خارج، این موضوع را تجربه می کنند که کسی به خاطر نگرانی و یا فعالیتش در سازمانهای دموکراتیک مختلف دستگیر نمی شود. آنها به فکر ترکیه ای افتند؛ در ترکیه چغین فعالیتهایی دستگیری و اسارت به دنبال دارد. آنها از این مقایسه به این نتیجه می رسند که در ترکیه باید وضعیت منحول شود.

بعد از کودتای ۱۹۸۰ بسیاری از شهروندان ترک تحت فشار کنسولگری های ترکیه قرار گرفتند، به عنوان مثال کلدرنامه شان را می گرفتند و بی نسی دادند. بسیاری از هموطنان ما نمی توانستند به ترکیه باور کنند، چرا که امکان داشت دستگیر شوند. کسی هم که به ترکیه باور می گشت همواره در این هراس بود که بالاخره کی و به چه دلیلی راهی زندانش خواهند کرد. این هموطنان اکنون می پیچند که حرکت رهبران دو حزب کمونیست و کارگر مستقیماً به نفع آنها بوده است و طبیعتاً از ما پشتیبانی می کنند. اگر حرکت ما به نتیجه برسد دیگر آنها تحت فشار کنسولگری ها نخواهند بود و خواهند توانست آزادانه به ترکیه سفر کنند»

مطلب زیر فشرده مقاله ایست که در شماره آخر سال گذشته هفته نامه "عصر جدید" مسکو، چاپ شده است و نتایج گذرا به جنگ ایران و عراق انگیزه ها و نتایج آن دارد.

\*\*\*

خارک بزرتترین پایانه نفتی ایران است که امروزه برای کشتی های تجاری چندانی برای لنگراندازی ندارد. خبرنگار خبرگزاری رویتر در ابوظبی از قول افسر ملوان یک نفت کش وضعیت این جزیره را چنین توصیف می کند: "خارک آدم راه یابد برلین ۱۹۴۵ می انداؤد." اکثر لنگرگاههای این جزیره به صورت ویرانه درآمده اند، برجها سقوط کرده اند، ساختمانها خراب شده اند و در همه جا تلهایی از لوله های درهم پیچیده شده و سنگ و شیشه به چشم می خورد.

گزارشهایی که خبرنگاران غربی از بغداد پس از حملات موشکی و یا از بعصره که بطور مداوم زیر آتشبارستکین توپخانه جمهوری اسلامی قرار دارد، تهیه کرده اند نیز به همینسان دردناکند. یک صحنه جانفشناش اصابت موشک به مدرسه ای در بغداد است. دانش آموزان خاموشی گرفتند و تقریر را به صدای وحشتناک موشک، واقفاده اند.

ارتش ایران بر روی حملات خود فنامه های رمز مذهبی می گذارد؛ کربلای یک، کربلای دو و امثالهم. کربلا فنام شهری است در عراق که شیعیان گرامیش می دارند. این شهر در قرن هفتم میلادی بنیاد گذاشته شد، در جایی که حسین فرزند علی امام شیعیان و شوه محمد بیضمیر، به دست بزیید کشته شد. این شهر یکی از زیارتگاههای شیعیان است. امروزه آخوندها در ایران از سربازان خود می خواهند این شهر را از جنگ حکومت سنی عراق در آورند و کلاشیعیان را از ویرستم سنی ها برهانند. چنین فراخوانی با استقبال آتشین متعصبین مواجه می شود.

فتاتیسیم (تعصب مذهبی) عامل مهمی در تداوم خورشیدی در جبهه های جنگ ایران و عراق است. آخوندها به آنان که جوتشان در این قتلگاه بریزد، قول می دهند روانه بهشت شده و از عذاب زمین خواهند رست. آیت الله خجینی فتوایی صادر

کرده است که بر مبنای آن می توان نوجوانان بالای دوازده سال را از آغوش پدر و مادر در آورد و راغی بجنبه ساخت تا از روی میادین مین بگذرند. بر کردن آنها کلیدهایی را آویزان کرده اند که ساخت تایوانند، جنسشان اویلاستیک است و با آنها می توان در بهشت راباز کرد.

اما آتش جنگ صرفاً بر اثر فتاتیسیم مشتعل نشد. به یک اعتبار آتش فتاتیسیم بر اثر جنگ شعله ور گردید. بین این دو یک ارتباط متقابل برقرار است که باعث می شود مدار جنون، بسته و خودکفا باشد. آخوندها طرفدار جنگند. جنگ اذهان را از فکر بر روی مسائل داخلی منحرف می کند، جلوی توجه متمرکز بر روی بیکاری و ورشکستگی اقتصادی، فقدان امنیت اجتماعی و مجموعه آرزوهای بر باد رفته را می گیرد. باعث می شود که انسان نتواند به آن مسائل مبرمی بیندیشد که اگر جنگ نبود، راه حل عاجلی را می طلبیدند.

هر روز که می گذرد، جنون جنگی قربانیان بیشتری به جا می نهد و مخارج بیشتری به بار می آورد. ارقامی که در مطبوعات ظاهر می شوند مداوم فاجعه بار می شوند. بنابر برخی برآوردها جنگ برای ایران به بهای دادن ۷۰۰ هزار کشته، زخمی و اسیر شام شده است. این رقم در عراق ۲۵۰ هزار نفر است.

اگر به منابعی که آمار بالا را ارائه داده اند اعتماد کنیم می توانیم همچنین از قول آنها بگوئیم که از روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۱ شهریور - ۱۳۵۹) که به گفته دولت ایران آغاز حمله عراق است) تا امروز، جنگ برای طرفین ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه دربر داشته. ۶۰ درصد این مخارج بردوش عراق سنگینی می کند که علاوه بر این "۲۵ میلیارد دلار از درآمد نفتی پیش از جنگ خود را به کام آتش داده" و اکنون ۵۵ میلیارد دلار به کشورهای دیگر بدهکار است.

در جنگ، هدفهایی که به نفع مربوط می شده اند، بیشترین آسیب را دیده اند. عراق بر روی انهدام تاسیسات نفتی و پالایشگاههای ایران و قطع صدور نفت این کشور حساب کرده بود. بر اثر حملات عراق، ایران در فاصله بین سالهای (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶) ۲۷۰ میلیارد دلار نفتی از دست داد. عراق

نیز خود دچار مصیبت مشابهی شده است. در سال ۱۹۸۶ درآمد نفتی عراق یک چهارم مقدار آن در سال ۱۹۸۰ بود. کل میزان کاهش درآمد ناخالص ملی دو کشور در جنگ هفت ساله حدود ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود. در جریان "جنگ نفت کش ها"

از زمان آغاز آن تاکنون بیش از ۴۰۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است.

در هفته های اخیر از تهران و بغداد خبرهای نگران کننده ای به گوش می رسد. می گویند ایران خود را برای یک حمله زمستانی آماده می کند، حمله ای که رسانه های خارجی بدان صفت "قطعی و نهایی" را داده اند. جمهوری اسلامی بر تبلیغات جنگی خود افزوده است. گفته می شود که ایران حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار سرباز در مرز جنوبی، در ناحیه ای مشرف به بعصره، تمرکز داده است. دولت مردان و سرکردگان نظامی ایران تاکنون بارها و بارها دم از حمله "قطعی و نهایی" زده اند. رسانه های خبری غرب این تبلیغات را به عمد جدی می گیرند، آنها می گویند عراق در شرف سقوط است و "این به نفع غرب نیست" بنابراین باید نفت بیشتری بر آتش جنگ ریخت و کار، کرد که جنگ ادامه یابد. هدف این تلاشها جلوگیری از تحقق مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ پوچ بین ایران و عراق است.

از سوی دیگر تلاش می شود که بر موضع شوروی در قبال این جنگ، سایه تردید و بدگمانی بیفکنند. در مورد موضع اتحاد شوروی دفتر مطبوعاتی وزارت خارجه شوروی اخیراً بازم بیانیه ای انتشار داد که در آن آمده است:

"موضع اصولی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در مورد ضرورت پایان دادن هر چه سریعتر به جنگ ایران و عراق همواره بلا تغییر بوده است. اتحاد شوروی قاطعانه از هر تلاشی که در راستای قطعنامه اخیر شورای امنیت باشد، پشتیبانی می کند. شوروی تا زمانی که تلاشهای صلحجویانه دبیرکل سازمان ملل به مواضع عمده ای برخورد نکرده است برای طرح کامیابی آلترناتیو از جمله بحث بر سر یک قطعنامه دوم که تا قریب مجازات طرفی باشد که مفاد قطعنامه شورای امنیت را نمی پذیرد، ضرورتی نمی بیند." بنابراین اتحاد شوروی خواهان آن است که هر چه زودتر به این دیوانگنی که به بهای جان صدها هزار نفر تمام شده است، نقطه پایان گذاشته شود»

به مناسبت سالگرد گذشته‌نین و نخستین انقلاب خلقی عصر امپریالیسم

# استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک

۲) ژانویه، شست و چهارمین سالگرد درگذشت لنین کبیر، رهبر انقلاب اکتبر و آموزگار بزرگ پرولتاریاست. آموزش‌های لنین در عرصه‌های مختلف مبارزه طبقه کارگر، از ورای سال‌ها، با درخشندگی و جلای هر چه بیشتری رخ می‌نماید.

ماه ژانویه همچنین یادآور آغاز نخستین انقلاب خلقی عصر امپریالیسم، انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ روسیه است. این انقلاب هر چند به هدف اصلی خود، محو تزاریسیم دست نیافت، اما پرولتاریا، رهبر جنبش انقلابی را آبدیده کرد و به تعبیر لنین، تحریکی شد برای دو انقلاب بزرگ: انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر. طبقه کارگر روسیه در انقلاب ۱۹۰۵-۷ خود را و حزب

خود را شناخت و آموذ. استراتژی و تاکتیک مبارزه پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک، که لنین آن را در آستانه نخستین انقلاب خلقی قرن بیستم و در جریان آن تدوین کرد، موضوع فصلی با همین نام از کتاب "جنبش بین‌المللی کارگری: مسائل تاریخ و تئوری" است.

برای ارائه تحلیلی نویسنده‌گان این کتاب، از انقلاب ۱۹۰۵-۷ روسیه ترجمه این فصل از کتاب را از نثر خوانندگان "اکتبریت" می‌گذرانیم. کتاب "جنبش بین‌المللی کارگری: مسائل تاریخ و تئوری" توسط هیات‌های اتحاد شوروی به سرپرستی پوئوماریف نگاشته شده است.

مبنای تدوین استراتژی و تاکتیک حزب پرولتری در نخستین انقلاب بورژوا-دمکراتیک عصر امپریالیسم را تحلیل دقیق مارکسیستی از واقعیات روسیه، مطالعه دقیق گرایش‌های عمده در تحول جهانی، تعیین و کار انتقادی بر روی میراث تئوریک و تجارب عملی جنبش بین‌المللی کارگری و جنبش دمکراتیک بین‌المللی و نیز تجارب پیکار رهایی‌بخش در خودروسیه تشکیل می‌دهد. لنین پیوسته تأکید می‌کرد: اگر در روسیه همان روندهای اصلی رشد سرمایه‌داری دیده می‌شود که در غرب، اگر در برابر سوسیالیست‌ها و طبقه کارگر همان وظایف اصلی قرار می‌گیرد، این امر به هیچ وجه نباید منجر بدان شود که "ویژگی‌های روسیه به فراموشی سپرده شوندند و ویژگی‌هایی که باید باقی‌ماند در ویژگی‌های برنامه ما بازنایب کاملی بیابند." (۱) بلشویک‌ها پیش از آنکه رویدادهای تعیین‌کننده انقلاب صورت گیرد، به رهبری لنین، برنامه عمل انقلابی پیکاری را تدوین کردند که استراتژی و تاکتیک مبارزه پرولتاریا و همه زحمتکشان را تشکیل می‌داد. لنین به میزان عمده‌ای تئوری مارکسیستی را تکامل بخشید و آنرا خلافتانه با شرایط نوین تاریخی تطبیق داد، پرولتاریای روسیه و جهان را به سلاح ایدئولوژیک مجهز کرد و از آموزش سترک مارکس و انگلس در برابر اپورتونیسیم راست و "چپ" دفاع نمود.

در این رابطه، مصوبات بلشویکی سومین کنفره حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (ح. س. د. ک.) که لنین آن‌ها را تدارک دید و نیز کتاب او به نام "دوناکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" نقش ویژه‌ای ایفا کردند. لنین در آخرین سلور کتاب، هسته اصلی نظرش را درباره وظایف طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک به رشته تحریر درآورد. وی نوشت: "در راس همه خلافت و به ویژه دهقانان - برای آزادی کامل، برای تحول پیکار دمکراتیک، برای جمهوری! در راس همه زحمتکشان و استثمارشدگان - برای سوسیالیسم! سیاست پرولتاریای انقلابی در واقع باید چنین باشد، آن شعار طبقه‌ای که در هنگام انقلاب باید بر حل هر مسئله تاکتیک و هر کام عملی حزب کارگری حاکم و تعیین‌کننده آن باشد، همین است." (۲)

در جریان انقلاب، تفاوت و بنیادین میان انقلابیون و اپورتونیسیت‌ها، و در وهله نخست میان بلشویک‌ها و منشویک‌ها، که در همان تاسیس حزب در کنفره دوم ح. س. د. ک. در سال ۱۹۰۲ علائم آن

دید می‌شد و سپس پیوسته تعمیق یافته بود، آشکار شد. اختلاف اصولی در برخورد به واقعیات روسیه و تجارب پیشین مبارزه پرولتری، در همان نخستین ماه‌های انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در مجادله میان بلشویک‌ها و منشویک‌ها بازتاب برجسته‌ای یافت. این مجادله از بحث در این مورد آغاز شد که آیا سوسیال دمکراسی باید پس از شکست حکومت مطلقه در دولت موقت انقلابی شرکت کند یا نه، و به اختلاف نظر در مورد پویایی روند انقلاب بورژوا-دمکراتیک، نیروهای محرکه، وظایف و چشم اندازهای استراتژیک آن انجامید.

منشویسم به طور عینی بدین منجر می‌شد که طبقه کارگر دنباله‌رو بورژوازی لیبرال بشود، و مانع حل مسائل اصلی فراروی پرولتاریا و توده‌های گسترده زحمتکشان بود. بلشویسم طبقه کارگر را بدان جهت ست می‌داد که پیشاهنگ جنبش کل خلق باشد، از هر طریق توان انقلابی همه نیروهای واقعا ترقی‌خواه کشور را گسترش می‌داد و از آن بدون محدودیت بهره می‌گرفت.

لنین نشان داد که استدلال منشویک‌ها که به قوانین انقلاب‌های بورژوازی اروپا استناد می‌کردند، به کلی بی‌پایه و غیر علمی است. وی در بهار ۱۹۰۵ موقعیت روسیه را با موقعیت ۱۸۴۸ آلمان مقایسه کرد و به برخی ویژگی‌های انقلاب روسیه رسید: "۱۰۰۰ - اثبات خشم و روحیه انقلابی در طبقات پایینی روسیه به گونه‌ای غیر قابل قیاس بیشتر است... در شش ماه، تحول لگدانه است، میان حکومت مطلقه و آزادی سیاسی هیچ گوشه مرحله گذار نبوده و نیست (زمنستوبه حساب نمی‌آید)، استبداد از نوع آسیابی بکر است. ۲ - جنگ فلاکت‌آور، در کشورها فروپاشی ناگهانی را محتمل‌تر می‌کند، زیرا حکومت تزاری را به بن‌بست می‌کشاند. ۳ - آرایش قوای بین‌المللی در مورد مامساعدتر است، زیرا پرولتاریای اروپا مانع کمک رسانی سلاطین اروپا به سلطنت روسیه خواهد شد. ۴ - احزاب انقلابی آگاه، ادبیات و سازمان یافتگی آنها نود ما به گونه‌ای غیر قابل قیاس پیشرفته‌تر از ۱۷۸۹، ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ است. ۵ - شماری از ملیت‌های تحت ستم تزاریسم، لهستانی‌ها، فنلاندی‌ها و غیره، در کشور ما به مبارزه با حکومت مطلقه نیروی ویژه‌ای می‌بخشند. ۶ - وضع دهقانان در کشور ما بسیار بد است، آن‌ها بسیار فقیرند و دیگر مطلقاً چیزی ندارند که از دست دهند." (۳) همه این عوامل موید آن بود که انقلاب بورژوازی روسیه می‌بایستی راه خود را می‌رفت،

راهی که با راه انقلاب‌های بورژوازی دوران سرمایه‌داری "آزاد" تفاوت می‌کرد. لنین در مبارزه با منشویسم، رابطه دیالکتیکی میان مضمون اجتماعی-اقتصادی، انقلاب و نیروهای محرکه و شیوه‌های مبارزه آن‌ها را که برای تئوری مارکسیستی اهمیت ویژه‌ای دارد تشریح کرد و توضیح داد که پاسخ به مسئله دوم نتیجه مستقیم پاسخ به مسئله اول نیست. لنین نوشت انقلابی که در روسیه در پیش است، از لحاظ مضمون اجتماعی-اقتصادی، بورژوازی خواهد بود، یعنی به طور مستقیم به پایه‌های نظم بورژوازی آسیب وارد نخواهد کرد و تضادهای جامعه سرمایه‌داری، از جمله تضاد اصلی آن، تضاد کار و سرمایه را فتنه‌ها زمین نخواهد برد، بلکه برعکس، عمیق‌تر و حادتر خواهد کرد. اما این همه به هیچ وجه بدین معنی نیست که - آنگونه که منشویک‌ها معتقد بودند - بورژوازی نیروی محرکه انقلاب شود. در عصر امپریالیسم نه تنها یک دگرگونی در شکل، که در وهله اول به سود سرمایه داران بزرگ، بانکداران بزرگ و ملاکین "متجدد" بود، بلکه علاوه بر آن تحول دمکراتیک گسترده‌ای که در خدمت کارگران و دهقانان بود، امکان‌پذیر بود. شکل تاریخی مشخصی که تحول بورژوا-دمکراتیک در روسیه به خود می‌گرفت، می‌بایستی در تحلیل نهایی نتیجه مبارزه بر سر مضمونی در جنبش رهایی‌بخش، میان پرولتاریا و بورژوازی، نتیجه مبارزه برای جلب توده‌های دهقانان را تعیین می‌کرد.

مشی سیاسی بلشویک‌ها بر این اندیشه استوار بود که پرولتاریا نیروی مضمون پیکار رهایی‌بخش است. لنین به گونه‌ای قانع‌کننده نشان داد، هیچ‌کس بیش از پرولتاریا در پیروزی تعیین‌کننده انقلاب بورژوازی قانع نیست، زیرا این انقلاب نه تنها حقوق دمکراتیک و دستاوردهای اجتماعی (آزادی سخن، آزادی شکل، آزادی تجمع، روزگار هشت‌ساعته و غیره) برای او به ارمان خواهد آورد، بلکه همچنین پیش‌شرط‌های لازم مبارزه برای سوسیالیسم را ایجاد خواهد کرد. در این رابطه لنین نوشت که پرولتاریا عاری از هر گونه "خودخواهی" طبقه‌ای است و نه در راه منافع تنگ‌نظرانه صنفی طبقه خود، بلکه برای منافع کل خلق می‌رزد و نماینده گسترده‌ترین افشار توده‌های زحمتکش در شهر و روستا و رهبر ایدئولوژیک کل دمکراسی است.

اما موقعیت طبقه کارگر در نظام تولید اجتماعی و در ساختار اجتماعی کشور و نیز دیدکی منافع آن به منافع سایر طبقات و افشار زحمتکش تنها امکان عینی

همونی پرولتاریا در جنبش رهایی بخش فراهم می‌آورد. برای تبدیل این امکان به واقعیت، پیشروترین طبقه می‌بایست اعتماد و پشتیبانی اقشار غیر پرولتری مردم و حاکمیت روسیه را جلب کند، اتحاد، مستحکم با آنها (یعنی با دهقانان) ایجاد کند. در اس مبارزه آنها با نظم استبدادی قرار گیرد، تلاش متقابل پرولوازی لیبرال برای کسب رهبری سیاسی توده‌ها را فلج سازد و آن را از توده‌ها جدا کند. حزب بلشویک عهده دار وظیفه دشوار تعمیق دمکراسی نبرده پرولوازی از "آلودگیهای غیر دمکراتیک" و مبارزه با لیبرالیسم و توهمت مشروطه خواهانه شد. بنابراین در برابر پرولتاریا و پیشاهنگ مارکسیستی آن، مبارزه پیچیده بر سر رهبری جنبش دمکراتیک قرار داشت، مبارزه‌ای که در آغاز قرن بیستم مانند خط‌سرخ‌های از سر تاریخ سیاسی روسیه می‌گذرد.

در تحلیل لنین، همونی پرولتاریا با تاثیر گذاری مداوم عمیق و همه جانبه طبقه کارگر بر رشد و چشم اندازهای روند انقلابی است. این همونی تحت رهبری مستقیم حزب مارکسیستی پرولتاریا تحقق می‌یابد. همونی پرولتاریا به صورت دیگری قابل تحقق نیست. لنین می‌آموزد که طبقه رهبر بدین معنی است که نه تنها شدیدترین و فداکارانه‌ترین مبارزه با حکومت خودکامه و یوغ سرمایه به پیش برده شود، بلکه به خلق آگاهی انقلابی داده شود و در به شرکت فعال در زندگی سیاسی برانگیخته شود و در برابر هر اقدام زورگویانه و ناعادلانه علیه ستم‌کنان و واکنش نشان داده شود همچنین این وظیفه طبقه رهبر و حزب او است که اهداف انقلاب را به لحاظ تئوریک در یابد، شعارهای لازم را فرموله کند و موثرترین اشکال و شیوه‌های مبارزه انقلابی را برگزیند. پرولتاریا و پیشاهنگ مارکسیستی آن، جنبش توده‌های غیر پرولتری و به ویژه دهقانان را به لحاظ ایدئولوژیک و سازمانی رهبری می‌کند. این رهبری ضرورت ناگزیر دارد، زیرا دهقانان پراکنده و سازمان نیافته‌اند، به نژاد دایمی گرایش دارند و نیز به لحاظ سیاسی رشد نیافته‌تر از آنند که بتوانند در مبارزه با حکومت خودکامه و نظام ملانکی مستقلا به پیروزی دست یابند.

لنین این مسئله را که در انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی متحد طبقه کارگر کیست، با دقت کامل مطرح و حل کرد. ممکن بود از منطبق تاریخ این نتیجه را بتوان گرفت که این متحد در انقلاب پرولوازی، به اصطلاح دمکراسی پرولوازی است. اما این دمکراسی در عصر امپریالیسم دیگر پدیده یکپارچه‌ای نبود و به گونه‌ای بازگشت ناپذیر به پرولوازی لیبرال، که در برابر آن پرولتاریا می‌بایست تاکتیک سیاسی متفرد کردن را در پیش می‌گرفت، و دمکراسی خرده پرولوازی و به ویژه دهقانی، دمکراسی انقلابی، تجزیه شده بود. دمکراسی انقلابی در مبارزه با حکومت خودکامه متحد پرولتاریا بود. بنابراین پرولتاریا نباید به دنبال توافق با پرولوازی، بلکه باید در پی اتحاد با نیروهای چپ، دمکراسی انقلابی خرده پرولوازی، و به ویژه دهقانان می‌بود. لنین دهقانان را پرولوازی انقلابی - جمهوری خواه می‌نامید. بدین ترتیب "تاکتیک بلوک چپ" که در انقلابات پیشین هم نمونه‌هایی داشت، به مهم‌ترین قانونمندی عام جنبش رهایی بخش تبدیل شد. بنابراین، پیروزی خود اتحاد پرولوا دمکراتیک وابسته به موفقیت این اتحاد گسترده مبارزاتی میان دمکراسی پرولتری و خرده پرولوازی و توافق‌های سیاسی مشخص مبتنی بر آن میان احزاب و سازمان‌های مختلف انقلابی در مبارزه با تزاریس بود. خدمت تاریخی لنین این بود که با تاکتیک "بلوک چپ" که بعدها در جنبش بین‌المللی

کارگری نیز پذیرفته شد، به نحو درخشانی مشی نقش رهبری پرولتاریا در انقلاب را پدید آورده دنبال کرد. لنین در توضیح ماهیت تاکتیک بلشویکی نوشت: "هر چه انقلاب پرولوازی پیش‌تر رود، پرولتاریا متحدان خود در میان دمکراسی پرولوازی را در سمت چپ‌تری جستجو خواهد کرد و هر چه عمیق‌تر از بخش‌های فوقانی آن به سمت لایه‌های پایینی خواهد رفت... انقلاب بسیار پیش‌رفته است. رهبران دمکراسی پرولوازی کناره‌گیری خود را از انقلاب آغاز کردند. لایه‌های پایینی رفته رفته بیدار شدند. پرولتاریا آغاز به این کرد که (برای انقلاب پرولوازی) در لایه‌های پایینی دمکراسی پرولوازی برای خود متحدینی جستجو کند." (۴) در این رابطه لنین پیوسته تاکید می‌کند: پرولتاریا تنها تا جایی و زمانی از دمکراسی پرولوازی پشتیبانی می‌کند که این دمکراسی در عمل با حکومت خودکامه برزمد.

بلشویک‌ها بر آن بودند که در مرحله دمکراتیک انقلاب، کل دهقانان متحدان پرولتاریا هستند. دهقانان علیرغم قشر بندی اجتماعی بیشتر رفته در میان خود، کماکان به مقابله طبقه‌ای واحد و یک صنف علیه بزرگ مالکی عمل می‌کردند. خواهان محروم کامل آن بودند و آماده بودند از ملی شدن زمین‌ها به مقابله یک شعار حمایت کنند. در این شرایط، نیروهای خلق موفق می‌شدند، این امر می‌تواند امکان آن را فراهم آورد که انقلاب پرولوازی در روسیه بسیار فزاینده‌تر از آن حدی رود که انقلاب‌های پرولوازی در غرب، در روسیه پدیدان رسیده بودند. اما آنچه مهم‌تر از همه است، این است که در صورت پیروزی خلق، فرارویی تحول پرولوازمکراتیک تحول سوسیالیستی بسیار سهل‌تر امکان پذیر می‌گردد. لنین در اثر خود بنام "دو تاکتیک دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" هسته اصلی دیالکتیک فرارویی یک روند به دیگری را تبیین کرد و می‌نوشت: پرولتاریا باید انقلاب دمکراتیک را به آخر برساند بدین‌طریق که توده دهقان را به خود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلق را جبراً متکوب و نابینا کند. پرولوازی را فلج سازد. پرولتاریا باید انقلاب سوسیالیستی را به انجام برساند بدین‌طریق که توده عناصر نیمه پرولتاریای اهالی را به خود ملحق کند تا بتواند نیروی مقاومت پرولوازی را جبراً درهم شکنند و نابینا کنند. دهقانان و خرده پرولوازی را فلج سازد." (۵)

دقیقاً در همین رو لنین برای کار تبلیغی و سازماندهانه پرولتاریا و حزب آن در روستا و نیز تدوین یک برنامه دهقانی درست اهمیت زیادی قائل بود. در سومین کنگره ج. س. د. ک. ر. هنگامی که روشن شده بود مبارزه دهقانان برای زمین، خصالت یک انقلاب گسترده دهقانی را به خود می‌گیرد و مبارزه برای بازپس دادن اراضی غصبی دهقانان به عنوان شعار دیگر کافی نیست، تصمیم گرفته شد از همه خواست‌های انقلابی دهقانان تا حد مصادره کامل زمین‌های ملاکان، دولت، کلیسا، صومعه‌ها و اشراف با تمام نیرو حمایت شود. قطعنامه کنگره حاوی این خواست بود "تشکیل فوری کمیته‌های انقلابی دهقانی برای انجام همه دگرگونی‌های انقلابی - دمکراتیک لازم جهت رهایی دهقانان از یوغ پلیس، ماموران دولتی و زمینداران". او آشفا که سازمان طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا، مشی همیشگی بلشویک‌ها بود، در کنگره بار دیگر بر این ضرورت تاکید شد که کار در این راستا ادامه یابد. (۶)

مصوبات کنگره سوم در کنفرانس تامرفورس بلشویک‌ها در دسامبر ۱۹۰۵ تثبیت و تکمیل شد. در کنگره چهارم ج. س. د. ک. ر. در سال ۱۹۰۶ لنین برنامه دهقانی مفصلی ارائه کرد که هدف آن،

حد اکثر استفاده از توان مبارزاتی دهقانان در انقلاب پرولوا - دمکراتیک بود. به خواست‌های قبلی بلشویک‌ها مبنی بر مصادره اراضی ملاکان بزرگ و برکساری کمیته‌های دهقانی برای استفاده از اراضی، این خواست نیز اضافه شد که زمین‌ها ملی شود، یعنی (تحت شرایط معینی) به مالکیت دولت درآید. لنین نوشت: در سیاست مانند سراسر زندگی اجتماعی این اصل صادق است. هر کس به پیش‌ترود، واپس رانده خواهد شد. یا پرولوازی که پس از دگرگونی دمکراتیک نیرو گرفته است (طبیعی است که این دگرگونی پرولوازی را تقویت می‌کند) همه دستاوردها را از توده‌های کارگران و دهقانان خواهد ربود - و با پرولتاریا و توده‌های دهقانی راه خود را به پیش می‌وار خواهد کرد. این، به معنای جمهوری و حاکمیت کامل خلق است. این بدین معنی است: در شرایط کسب جمهوری، ملی کردن اراضی به مقابله حد اکثر پیشروی تحول پرولوازی دمکراتیک، به مثابه گام طبیعی و ضروری به پیش، به سوی پیروزی دمکراسی پرولوازی برای آغاز مبارزه اصلی در راه سوسیالیسم." (۷)

بلشویک‌ها در مقابله با برنامه ارضی انقلابی لنین، یک برنامه رفرمیستی و غیر فاطم تعاونی کردن ارائه کردند. این برنامه پیشبینی می‌کرد به زمین دهقانان چیزی افزوده نشود، اراضی ملاکان در دست تعاونی‌هایی قرار گیرد و این تعاونی‌ها زمین را به دهقانان اعاده دهند. این برنامه ضرورت اصلی کسب زمین را به شکل قرون وسطایی بزرگ ملاکان را نادیده گرفت و حل مسئله دهقانی را در اولویت قرار داد. این برنامه برای دمکراتیزه کردن کل نظام اجتماعی روسیه، اساساً بی‌اثر بود. این کمک به اعتدالی جنبش تزارس‌گرا می‌شود، آن را محدود به روستاها می‌رساند. این هم‌بوره مسئله دهقانی را در روستاها و وظایف اتحاد طبقه کارگر و دهقانان را در مربوط به سرکوتگی حکومت مطلقه و (۸)

اگرچه بلشویک‌ها با این برنامه مخالف بودند اما در مسئله دهقانی نظر واحدی نداشتند. بسیاری اندیشه ملی کردن را رد می‌کردند و خواهان آن بودند که اراضی ملاکان تقسیم شود و به عنوان ملک خصوصی در اختیار دهقانان قرار گیرد. این نظر که می‌خواست سهمی بودن زمین حفظ شود، این امر را نادیده می‌گرفت که این شکل مالکیت بر زمین، از قرون وسطی به جا مانده بود. اما علیرغم این ناپیچیری، برنامه "تقسیم کفندگان" دارای مضمون انقلابی - دمکراتیک بود زیرا می‌خواست بزرگ مالکی را براندازد. زمانی که روشن شد در کنگره برنامه ملی کردن تصویب نخواهد شد، لنین رای خود را به "تقسیم کفندگان" داد. اکثریت کنگره او برنامه تعارضی کردن حمایت کرد. اما بلشویک‌ها توانستند در قطعنامه کنگره خواست مستقیم مصادره اراضی کلیساها، صومعه‌ها، دربار تزار و همه مالکان خصوصی (به‌خصوص خرده مالکان) و نیز این خواست را که از اقدامات انقلابی دهقانان تا حد مصادره اراضی ملاکان حمایت شود، وارد کنند. (۹)

بلشویک‌ها برای این امر اهمیت زیادی قائل بودند که اقشار گسترده جمعییت خرده پرولوازی شهری و نیز روشنفکران دمکرات و دانشجویان را به سمت پرولتاریا جذب کنند. این اقشار فعالانه در مبارزه با حکومت مطلق شرکت می‌کردند و در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ حدود ۲۲ درصد کل "مجرمین سیاسی" از میان آن‌ها بودند. (به انقلابیونی که در آن زمان محاکمه می‌شدند، این عنوان اطلاق می‌شد.) (۱۰)

بقیه در صفحه بعد

## استراتژی و تاکتیک مبارزه

بقیه از صفحه قبل

جنبش رهایی بخش ملی خلق‌های تحت ستم امپراتوری روس نیز جزئی از جریان بزرگ مبارزه با نظام خودکامی بود. توده‌های زحمتکش این خلق‌ها بخش انکارناپذیری از اردوی انقلابی-دمکراتیک با ترکیب بین‌المللی بودند و به اتفاق کارگران و دهقانان بر تزاریسم و بورژوازی ضربه وارد می‌آوردند. از این گذشته این خلق‌ها با فتوای‌های "خودی" نیز مبارزه می‌کردند.

ولتیه پیشاهنگ طبقه کارگر این بود که تا حد امکان، همه این نیروهای انقلابی را متحد سازد، سازماندهی کند و برای قیام مسلحانه آماده نماید. حزب بلافاصله پس از حوادث ۹ ژانویه، قیام به مثابه ولتیه عملی مبارزه را شعار خود قرار داد، و گفتار سوم ح. س. د. ک. ر. مصوبه‌ای ویژه گذراند که در آن آمده بود تدارک همه‌جانبه ایدئولوژیک، سازمانی و نظامی-فنی قیام، از مهمترین و مهم‌ترین وظایف سازمان‌های بلشویکی است. لنین پرولتاریا را فراخواند که همه اشکال مبارزه طبقاتی را فرآورد و از آن‌ها به موقعیت استفاده کند. لنین نیروی ویژه‌ای به مطالعه مسائل مبارزه مسلحانه اختصاص می‌داد. "ایلیچ نه تنها همه آنچه را مارکس و انگلس در باره انقلاب و قیام نوشته بودند خوانده و به دقت در باره آن اندیشیده بود، بلکه حتی برخی آثار در مورد فن جنگ را مورد مطالعه قرار داده، فن و سازماندهی قیام مسلحانه را از همه جوانب بررسی کرده بود." (۱۱)

مارکسیست‌ها عموماً چک‌ها و شیوه‌های مبارزه مسلحانه را مطلق نکردند. مارکس با این سخنان حکومت‌های بورژوازی را مخاطب قرار داد: "مادر جایی که برایمان امکان داشته باشد، از راه مسالمت آمیز، و هرگاه لازم شود، با سلاح با شما خواهیم جنگید." (۱۲) لنین، که گویی این اندیشه را تکمیل می‌کرد، در سال ۱۸۹۹ اظهار داشت طبقه کارگر طبقاً ترجیح می‌دهد قدرت را از طریق مسالمت آمیز کسب کند (۱۳). اما در آغاز قرن بیستم، تناسب قوای واقعی در داخل کشور و در جهان به گونه‌ای بود که مبارزه میان حکومت خودکامه و خلق در روسیه تنها می‌توانست با تعرض مسلحانه طبقات تحت‌ستم فرجام یابد.

در بحبوحه قیام خلق، می‌بایست تکلیف مهمترین مسئله هر انقلاب - قدرت دولتی - روشن می‌شد. لنین می‌گفت به رسمیت شناختن انقلاب و سخن گفتن از آن کافی نیست، بلکه باید همچنین تعیین کرد از کدام طبقه باید قدرت سلب شود و کدام طبقه یا طبقات باید در رأس دولت قرار گیرد. در غیر این صورت، انقلاب، شعاری توخالی و بی‌محتوات. لنین برمی‌نماید تناسب قوای جدید طبقات و با رهنمون قرار دادن این اندیشه که پرولتاریا باید در انقلاب بورژوا - دمکراتیک رهبری را برعهده داشته باشد، به روشنی این نتیجه‌گیری بسیار مهم را فرموله کرد: در روسیه، انقلاب پیروزمند بورژوا-دمکراتیک - آن‌سان که در همه انقلابات بورژوازی پیشین - بورژوازی، بلکه پرولتاریا و دهقانان را به قدرت خواهد رساند و با برپایی دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک این دو، به اوج خواهد رسید. لنین نوشت: "...تحقق دگرگونی‌هایی که برای پرولتاریا و دهقانان ضرورت فوری و گریزناپذیر دارد، مقاومت سرسختانه هم ملاکان و هم بورژوازی بزرگ و تزاریسم را برخواهد انگیخت. بدون دیکتاتوری، درم شکستن این مقاومت و دفع حملات ضد انقلاب ناممکن خواهد

بود." (۱۴)

لنین تاکید می‌کرد از نقطه نظر آموزش مارکسیستی مبارزه طبقات این دیکتاتوری در مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک کاملاً تحقق‌پذیر است، چرا که در مبارزه برای تحولات بورژوا - دمکراتیک، مفاعیل بنیادی پرولتاریا و دهقانان به گوشه‌ای اجتناب‌ناپذیر برهم منطبقند.

لنین مهمترین خصوصیات دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را تدوین کرد.

اولاً این دیکتاتوری، نه یک دیکتاتوری سوسیالیستی، بلکه یک دیکتاتوری دمکراتیک است که از تحولات اجتماعی - اقتصادی بورژوازی مستقیماً فراتر نمی‌رود و تنها برنامه حداقل ح. س. د. ک. ر. را تحقق می‌بخشد: تجدید توزیع اراضی به سود دهقانان، دمکراتیزه کردن عمیق نظام سیاسی، بهبود اوضاع کارگران و غیره - یعنی هنوز پایه‌های سرمایه‌داری را دست‌نخورده می‌گذارد. دقیقاً همین امر در شعارهای بلشویکی‌ها تبلور می‌یافت: جمهوری دمکراتیک، روزگار هشت‌ساعته، مصادره اراضی ملاکان.

ثانیاً اگرچه پرولتاریا در این دیکتاتوری قدرت را با خرده بورژوازی، و عمدتاً با دهقانان، تقسیم خواهد کرد، اما این دیکتاتوری تنها با نقش رهبری پرولتاریا بر پایه هم‌موضی آن در جنبش رهایی‌بخش قابل تصور و تحقق است.

ثالثاً، همانگونه که لنین بارها تاکید می‌کرد، دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان یک پدیده در حال گذار است. دیگر قدرت بورژوازی نیست، اما هنوز قدرتی به تمام و کمال پرولتری نیز نیست. با تصویب انقلاب بورژوا-دمکراتیک و تبدیل آن به انقلاب سوسیالیستی، این دیکتاتوری به دیکتاتوری پرولتاریا فرامی‌رود.

نقش ارکان سیاسی دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را می‌بایستی یک دولت موقت انقلابی برعهده می‌گرفت که وظایف آن از جمله عبارت بود از فراخواندن مجلس موسان، مسلح کردن خلق و اشخاص تحولات عمیق دمکراتیک در شهر و روستا برای اعمال فشار بر طبقات حاکم نه تنها "از پایین" بلکه همچنین "از بالا" و از این طریق بازگشت‌ناپذیر کردن مهمترین دستاوردهای خلق.

در فاصله ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در برخی مناطق روسیه شوراها به مثابه نطفه‌های شکل دولتی دیکتاتوری خلق انقلابی، به وجود آمدند. روشن بود که "حکومت مطلقه خلق" که بلشویک‌ها در این دوره خواهان برپایی آن بودند، در چارچوب به لحاظ تاریخی محدود دمکراسی بورژوازی و جمهوری پارلمانی نمی‌گنجید. شوراها و نمایندگان کارگران، کمیته‌های دهقانی و سایر سازمان‌های مشابه خلق بپاخاسته، که در جریان انقلاب تشکیل شدند، خود نطفه‌هایی از نوع اساساً جدیدی از قدرت انقلابی بودند. لنین فوراً توجه و ارزش‌گذاری لازم را معطوف آنها کرد. همانگونه که در مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.) به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در روسیه آمده است، شوراها "ارکان‌های قدرت انقلابی، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان بودند. نبوغ لنین، با آینده‌نگری، در آنها الگویی برای قدرت شوروی می‌دید..." (۱۵)

این نتیجه‌گیری لنین که دیکتاتوری خلق انقلابی در برابر انقلاب بورژوا - دمکراتیک راه فرارویی به انقلاب سوسیالیستی را می‌گشاید، بر غنای آموزش مارکسیسم افزود. این اندیشه لنین بی‌رحمانه مهر بطلانی بر نظریات اپورتونیست‌ها

می‌زد که ولتیه کسب قدرت سیاسی در همان مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک را از برابر پرولتاریا و متحدانش برمی‌داشتند. برپایی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان برای طبقات تحت ستم این امکان را فراهم می‌آورد که نه تنها "از پایین"، بلکه "از بالا" عمل کنند، و میدان عمل برای تلفیق فعالیت خود توده‌ها و کار هدفمند پیشاهنگ پرولتری، که در راه انقلاب از شیوه‌های مختلف بهره می‌گیرد، می‌گشود. همچنین برای پرولتاریا این چشم‌انداز پدیدار می‌شد که نه تنها در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، بلکه همچنین در کشورهای دارای رشد متوسط سرمایه‌داری برای قدرت مبارزه کند و از این مبارزه برای فراویاندن انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی بهره گیرد.

لازم به تاکید است لنین رابطه مبارزه برای دمکراسی و مبارزه برای سوسیالیسم را در عصر امپریالیسم مورد تحقق مجدد قرار داد. در قرن بیستم، وظایف مرحله دمکراتیک و سوسیالیستی انقلاب به طور تفکاتنگ در هم آمیخته و به هم نزدیک شده‌اند. لنین نوشت: "کسی که بخواهد از راه دیگری سوسیالیسم سیاسی به سوی سوسیالیسم برود، مسلماً... به نتایج بی‌معنی و مرتجعانه‌ای خواهد رسید." (۱۶)

تجدید عقوله "دمکراسی" بسیار تعیین می‌یافت. توده‌های زحمتکش در برابر این ولتیه جدی قرار داشتند که دمکراسی توده‌ای واقعی را که راه مستقیم انقلاب سوسیالیستی را می‌گشاید، به دست آورند. لنین، که استراتژی و تاکتیک سوسیال دمکراسی انقلابی را همواره از موضع دورنمای سوسیالیستی جنبش پرولتری تعیین می‌کرد، نخستین مارکسیستی بود که ابعاد نظیر این موقعیت نوین را ارزیابی کرد و نشان داد که در عصر امپریالیسم سیاست پرولتاریا مبنی بر اتحاد باقشار میانی در مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم اهمیت خاصی می‌یابد. روندوقایع انقلابی در روسیه و سایر کشورها مرید آن شد که این پیش‌بینی لنین درست بود.

لنین میان انقلاب بورژوا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی هم در مورد وظایف هم در مورد ذخیره نیروهای مبارز در آنها، مرز روشنی می‌کشید و حزب را از دورنمای غیر واقعی و ماجراجویانه آغاز انقلاب با مبارزه در راه سوسیالیسم بر حذر می‌داشت. وی در همان دوره ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ میان انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی دیوار غیر قابل عبوری برپا می‌کرد. اندیشه نبوغ آمیز مارکس در مورد انقلاب بی‌وقفه، به مینای تئوری لنینی، فرارویی انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، که آموزش مارکسیستی انقلاب اجتماعی را غنی تر کرد، تبدیل شد. لنین نوشت: "ما پس از انجام انقلاب دمکراتیک بلافاصله و درست به میزان نیروی خود که نیروی پرولتاریا آگاه و متشکل است، انقلاب سوسیالیستی را آغاز خواهیم نمود. ما هوادار انقلاب بی‌دری هستیم. ما در نیمه راه توقف نخواهیم کرد." (۱۷)

لنین این مسئله را که انقلاب بورژوا - دمکراتیک چگونه به انقلاب سوسیالیستی فرامی‌رود، از این طریق حل کرد که شرایط عینی و ذهنی انقلاب، شرایط آغاز و چشم‌اندازهای رشد آن را با دقت علمی تحلیل کرد.

شرایط عینی، به‌طور اجتناب‌ناپذیر به مبارزه کل‌خلق بر علیه تزار و ملاکان، که در مرحله نخست در راه برپایی یک جمهوری دمکراتیک به پیش می‌رود و در مرحله دوم به مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی فرامی‌رود، دامن می‌زنند اما در همان مرحله نخست، پرولتاریا، منسجم‌ترین طبقه، و طبقه انقلابی پیگیر جامعه، به نیرویی تبدیل شد که توده‌ها را یکپارچه

می کرد. هژمونی پرولتاریا در روند انقلاب بورژوا-دمکراتیک به طور قاطعیت به رهبری توده ها در انقلاب سوسیالیستی فراروید.

دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان می بایستی به مهمترین ابزار سیاسی و به ابزار گذار موفقیت آمیز انقلاب از مرحله اول به مرحله دوم تبدیل شده راه مبارزه برای سوسیالیسم را هموار می کرد. "دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان هم مانند هر پدیده ای در عالم دارای یک گذشته و یک آینده است. گذشته آن، حکومت مطلقه، سواژ، سلطنت و ممتازیت است. در مبارزه با این گذشته، در مبارزه با ضد انقلاب، "وحدت اراده" پرولتاریا و دهقانان ممکن است زیرا وحدت منافع وجود دارد.

آینده آن، مبارزه با مالکیت خصوصی، مبارزه کارگر روزمزد با صاحب کار و مبارزه در راه سوسیالیسم است. اینجا وحدت اراده غیر ممکن است. در اینجا راهی که در برابر ما قرار داده نمی است که از حکومت مطلقه به جمهوری می رود، بلکه راهی است که از جمهوری دمکراتیک خرده بورژوازی به سوی سوسیالیسم می رود." (۱۶) در این رابطه، لنین در همان سال ۱۹۰۵ با قاطعیت تاکید کرد که سرنشت انقلاب، این امکان که در روسیه قدرت کارگران و دهقانان حفظ شود، قبل از هر چیز بسته به تناسب قوای طبقات در داخل کشور، به شرایط گرونی دمکراتیک در جریان در کشور است. این نوع طرح مسئله برای ادامه تکامل اندیشه لنین دارای اهمیت زیاد بود. این اندیشه هنگام جنگ جهانی اول به این نتیجه گیری نبلوغ آمیز رسید: سوسیالیسم می تواند در آغاز در چند و یا حتی در یک کشور پیرو شود. تئوری لنینی فرارویی انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی مهم برجسته ای در فضای گنجینه مارکسیسم داشت. کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. در مصوبه خود به مناسبت مقتادمین سالگرد انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ روسیه خاطر نشان کرد: "این تئوری که بر تحلیل علمی دوران نوین تاریخی و آرایش قوای طبقات مبتنی بود، تنها راه درست عمل انقلابی را کشور." (۱۹)

بلشویک ها هنگام تدوین استراتژی و تاکتیک انقلابی به روشنی می دانستند: "امر آزادی روسیه و مبارزه پرولتاریای روس (و بین السلطنی) برای سوسیالیسم به میزان زیادی به شکست های نظامی حکومت مطلقه بستگی دارد." (۲۰) بلشویک ها به رهبری لنین شی سیاسی مبارزه برای صلح را که با شی پاسیفیستی منشویک ها اختلاف اصولی داشت، تدوین کردند. بلشویک ها به جای لغایلی های بی معنی درباره صلح به هر قیمت که اهمیت شکست حکومت مطلقه برای پرولتاریای روس را مخدوش می کرد، برنامه ای واقع بینانه برای مبارزه با جنگ ارائه کردند. لنین در این رابطه بر اهمیت مبارزه روزمره ضد میلیتاریستی و تبلیغ جستکی ناپدید پرولتاریای انقلابی علیه جنگ تاکید می کرد. (۲۱) کلید حل مسئله صلح تدارک شرایط انقلاب بود. بلشویک ها خواهان شکست حکومت "خودی" بودند زیرا این امر تزاریس را تضعیف و نظام حکومتی کاملاً مبتنی بر سرکوب و زور را سرنگون می کرد. لنین پیگیرانه تفاوت میان منافع خلق روسیه و منافع تزاریس و بورژوازی در این جنگ را تشریح می کرد. بلشویک ها به زحمتکاران نشان می دادند که دشمن آنها، نه ژاپن، بلکه حکومت مطلقه تزاری است. لنین می گفت آنچه به انقلاب منجر می شود، از یک سو ماجراجویی های نظامی و شکست تزاریس و از سوی دیگر گسترش تهاجم جدی انقلابی است که پرولتاریا بدان دست می یازد و سوسیال دمکراسی آن را سازماندهی می کند و تدارک می بیند. (۲۲) بدین ترتیب در همان دوره، مبنای

مشی ای نهاده شد که بلشویک ها در جریان نخستین جنگ جهانی به رهبری لنین دنبال می کردند: تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی و شکست "حکومت خودی".

طرح خلاقانه و واقعا دیالکتیکی لنین در مورد انقلاب اجتماعی و استراتژی و تاکتیک آن در برابر موضع تجربیدی و جزم گرایانه منشویک ها قرار داشت. در ارزیابی از چشم اندازهای مبارزه، خشک اندیشی و لجاجت مفرط منشویک ها، گرایش آنها به قالب و الگوهای مرده و تقدیرگرایی تاریخی شان بازتاب می یافت. تفکر منشویک ها در دایره تصورات معمول در باره انقلاب های "کلاسیک" بورژوازی که تحت رهبری بورژوازی قرار داشتند می گنجید. منشویک ها آماده بودند ثمرات مبارزه خلق را به بورژوازی واگذارند. (۲۳) حتی هنگامی که منشویک ها هژمونی پرولتاریا در انقلاب آغاز شده را در حرف می پذیرفتند، این مفهوم را عملاً از محتوای انقلابی آن تهی می کردند. در الگوهای آنها نه جایی برای نقش رهبری طبقه کارگر در قبال دهقانان و نه برای مبارزه پیگیر با امپریالیسم ضد انقلابی روس بود. خطر انهدمی کل "فلسفه انقلاب" منشویکی این اندیشه بود که پیروزی بر حکومت مطلقه تنها زمانی تضمین می شود که "دمکراسی بورژوازی" خواه کادتها و با هر حزب مشابه دیگر، به مرکز سیاسی کل جنبش رهایی بخش در روسیه تبدیل شود. (۲۴) بنا بر این منشویک ها عملاً برای پرولتاریای روس تنها این نقش را فاکل بودند که به لحاظ فیزیکی، نیروی اصلی انقلاب، "کارگر ساده" انقلاب باشد که داوطلبانه قدرت را به بورژوازی و می گذارد. این امر در عمل به معنای تسلیم منشویک ها در برابر لیبرال ها بود. منشویک ها با گذاشتن دعوت های عوام فریبانه به گسترش "خودجوشی" توده ها به جای کار مشخص سازمانی در میان توده ها، همواره به دنبال زوید اداهای انقلابی لنگ لنگان روان بودند. به عنوان نمونه، کافی است به موضع آنها در قبال قیام مسلحانه، مهمترین ابزار پرولتاریا در مبارزه با حکومت مطلقه بفرستیم. منشویک ها اگرچه ضرورت برخورد سرنشت سازمان میان خلق انقلابی و تزاریس را نفی نمی کردند، اما تدارک نظامی - شفنی عملی آن را مطلقاً غیر واقع بینانه می دانستند. آنها وتالیف حزب در این عرصه را تنها به تنبیه و دعوت به "تسلیح" خلق محدود می کردند. این امر همه لغایلی های آنها درباره قیام مسلحانه را به بازی با عبارات بی محتوا تبدیل می کرد. (۲۵)

اندیشه انقلابی که با شرکت دهقانان و رهبری طبقه کارگر انجام گیرد، برای منشویک ها بیخانه بود. آنها تاکید رانه بر گرایش دمکراتیک دهقانان، بلکه بر پیشد اوری ها و عقب ماندگی توده های دهقانی می گذاشتند. آنها تاکتیک بلوک چپ "بلشویک ها و به ویژه اندیشه دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را شدیداً محکوم می کردند. (۲۶)

منشویکها چشم انداز شرکت سوسیال دمکراسی در دولت موقت انقلابی را "فاجعه بار می دانستند. به نظر ایدئولوگ های منشویک، انقلاب بورژوازی میبایستی دوره ای نسبتاً طولانی از "رشد آزاد بورژوازی" را آغاز می کرد که در آن پرولتاریا می بایست به ایفای نقش "اپوزیسیون افراطی چپ" اکتفا می کرد. از این رو منشویک ها هدف بلشویک ها مبنی بر شرکت دادن اعضای سوسیال - دمکراسی در دولت موقت انقلابی برای مبارزه بی رحمانه یا ضد انقلاب و دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر، را "انقلابی گری شارودنیکی" و تلاش های زودرس

برای انجمام دگرگونی سوسیالیستی می دانستند. پلخانوف تاکید می کرد: جمهوری دمکراتیکی که ما به دنبال آنیم، یک "جمهوری بورژوازی" (۲۷) است. پلخانوف می گفت هرگاه انقلاب "چندمرحله رایکباره" طی کند - و پلخانوف این را "نقص" اصلی برنامه تاکتیکی بلشویک ها می دانست - این به معنای افول آن و عقب نشینی ناگزیر آن است، زیرا تنها اعتلای آهسته انقلاب، کام به کام و مطابق با الگوی قرن ۱۹ فرانسه، به نظر او می توانست "حداکثر کار تاریخی مفید" (۲۸) را انجام دهد.

لنین به پلخانوف و سایر منشویک ها پاسخ داد: "باید برداشتی واقعا کودکانه از تاریخ داشت تا بتوان آن را بدون "جهش" و مانند یک بچندریجا و یکسان بالا رنده تصور کرد: نخست ثوبت بورژوازی بزرگ لیبرال است. عقب نشینی کوچک حکومت مطلقه، آنگاه ثوبت بخرد بورژوازی انقلابی است - جمهوری دمکراتیک، و بالاخره پرولتاریا - تحول سوسیالیستی. این تابلو در مجموع درست است، به تعبیر فرانسوی ها "در درآمدت" درست است، مثلاً برای کل یک قرن (به عنوان نمونه فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۱۹۰۵)، اما برای طرح یک برنامه عمل در یک دوران انقلابی بر مبنای این تصویر، باید استادسفته بود." (۲۹)

یک مشخصه ایدئولوژی منشویکی، بازی دکماتیک با میراث فکری مارکس و انگلس و این تلاش آنها بود که این آموزش را نه تنها به مثابه سیستمی از اصول عام حتماً درست برای استراتژی و تاکتیک پرولتاریای انقلابی تفسیر کنند، بلکه از آن برداشتی مانند نوعی مجموعه ای از "سخن ها" و رهنمودهایی داشته باشند که مستقل از شرایط مشخص مکانی و زمانی باید به طور مکانیکی کاربرد یابند. تئوریسین های منشویک، و از جمله مشهورترین آنها، پلخانوف، در حرف خصلت خلق مارکسیسم را می پذیرفتند، اما به هیچ قیمت حاضر نبودند بپذیرند که تجارب انقلاب های پیشین بورژوازی نباید بدون تدقیق و تکمیل اساسی، بر موقعیت روسیه در آغاز قرن بیستم کاربست یابند و این یا آن گفته مارکس و انگلس درباره رویدادها ۱۸۴۸ آلمان، مارکسیست های روس را او ضرورت تحلیل مستقل و تصمیم گیری درباره هر مسئله مشخصی که روند وقایع انقلابی مطرح می کند (بدیهی است از موضع مند لوزی عام مارکسیسم) معاف نمی ساؤد.

در حالیکه منشویک ها به آن جنبه ها از میراث تئوریک مارکس و انگلس رومی آوردند که مرزهای معین تاریخی جنبش پرولتری در اشکال های ۹ - ۱۸۴۸ را حفظ می کردند، لنین و بلشویک ها از این میراث، آن هدف های عمومی را برمی گرفتند که گرایشهای آتیقه جنبش پرولتری را بیش بینی می کرد. لنین و بلشویک ها طرح افکار را که در اروپای نیمه قرن ۱۹ نمی توانستند تابیان دنبال شوند، برای شرایط نوین در جهان آغاز قرن بیستم، تکمیل کردند. لنین به ویژه این نتیجه گیری را از مهمترین احکام مارکس می دانست که در همان انقلاب های ۹ - ۱۸۴۸ موضع ضد انقلابی بورژوازی به روشنی بروز یافت و توان قرار گرفتن در راس یک تحول واقعا دمکراتیک بورژوازی و به ویژه تحقق نهواست های دهقانان را او بورژوازی گرفت. لنین همچنین برای اندیشه های مارکس درباره "دیکتاتوری خلق" به مثابه ابزاری در مبارزه علیه بنیینه در صفحه بعد

## استراتژی و تاکتیک مبارزه...

بقیه از صفحه قبل

ارتجاع فئودالی و بورژوازی، در باره هم‌موفی طبقه کارگر و اتحاد آن با دهقانان ارزش زیادی قائل بود. لنین تاکید می‌کرد: "شکی نیست که اجزای اصلی آن "مردمی" که مارکس در سال ۱۸۴۸ آنان را در تقفه مقابل ارتجاع مقاومت کننده و بورژوازی شیانت کننده قرار می‌داد، پرولتاریا و دهقانانند." (۲۰) لنین در این رابطه به تفاوت میان آلمان ۱۸۴۸ و روسیه ۱۹۰۵، که در آن، ویرتکیها، پرولتری جنبش و توانایی پرولتاریا در رهبری توده‌های دهقانی بسیار نیرومندتر شده بود، اشاره می‌کرد. وی نوشت: "... پرولتاریایی که دهقانان را با خود می‌گشاند، فرمول دینتری برای اندیشه دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان در فیلنامه‌ها، بلشویکیا نمی‌توان یافت." (۲۱)

لنین از اندیشه مارکس در باره انقلاب بی‌وقفه بهره گرفت و به زودی در واقعیت روسیه نیز آن ارکان قدرت سیاسی را یافت که ابزار ادامه فراوروی انقلاب از مرحله بورژوا - دمکراتیک به مرحله سوسیالیستی را می‌توانست تشکیل دهد و واقعا نیز تشکیل داد شوراهای.

ترسکی اندیشه انقلاب بی‌وقفه مارکس را به نحوی فاحش تحریف می‌کرد. وی الگوی عمل به وضوح ماجراجویانه‌ای ارائه می‌کرد. طبق این الگو، تنها نیروی انقلابی در روسیه پرولتاریا بود. این طرح پرولتاریا را قادر به این می‌دانست که بلافاصله حکومت "دمکراسی کارگری" را تشکیل داده فوراً دگرگونی کشور بر مبنای سوسیالیستی را آغاز کند ("بدون توار، حکومت کارگری"). در این رابطه ترسکی برخورد میان طبقه کارگر و دهقانان را اجتناب ناپذیر می‌دانست و معتقد بود تنها یک انقلاب اروپایی می‌تواند مواضع پرولتاریای روس را که در غیر این صورت "امیدی به حفظ آن نیست"، به میزان معین تقویت کند. بنا بر این ترسکی نقش انقلابی دهقانان را انکار می‌کرد و ماجراجویانه دعوت به آن می‌کرد که او روی مرحله انقلاب دمکراتیک که هنوز در پیش بود، بریده شود. وی برای پرولتاریا این نقش را قائل نبود که نیروی مؤمن انقلاب باشد و در همین مرحله بتواند توده‌های خلق را به دنبال خود بکشد. عنصر خطرناک در الگوی ترسکی این بود که وی با همه اندیشه مارکسیستی انقلاب بی‌وقفه، مهمترین اصول مارکسیسم انقلابی و آموزش مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا را به طرز فاحش تحریف می‌کرد و می‌توانست این دیکتاتوری را او پایه قدرت دمکراتیک خود محروم کند، طبقه کارگر را از متحدانش منفرد سازد و او این طریق انقلاب را محکوم به شکست نماید. لفاظی‌های "ماورا" انقلابی "موثر، اما بی‌محتوای ترسکی در عمل به ماجراجویی و آتش در کاهدان می‌انجامید و پرولتاریا را از راه درست و انقلابی منحرف می‌کرد. بلشویکیا فاطعانه علیه طرح التقاطی و اراده‌گرایی ترسکی موضع گرفته، آن را به مثابه نوع خطرناکی از اپورتونیسم افشامی کردند.

بلشویکیا همچنین با مشی ماجراجویانه اس -

ارما و آثارشیتها مبارزه می‌کردند.

در آن زمان حزب سوسیال رولوسیونرها به عنوان جناح چپ "جریان فوق‌العاده" گسترده و بدون شک دارای خصلت توده‌ای جلقی و یا ترودویکی‌ای... که منافق دهقانان را در انقلاب بورژوازی روسیه بازناب می‌بخشد" (۲۲) عمل می‌کرد. از این رو بلشویکیا رابطه با اس - ارما را صرفه‌فکر او نادرستی دکتترین آنها جزویی از تاکتیک "بلوک چپ" قرار می‌دادند. بلشویکیا با اس - ارما به یک سلسله توافق‌ها عملی رسیده، کارگران اس - ارما جذب اقدامات مشترک انقلابی می‌شدند.

در عین حال بلشویکیا دائماً مبارزه ایدئولوژیک بی‌رحمانه‌ای با نفوذ مغرب اس - ارما بر توده‌های کارگران و دهقانان به پیش می‌بردند. بلشویکیا از جمله به افشای دعوی رهبری اس - ارما در جنبش انقلابی به مثابه یک ادعای بی‌کلی بی‌پایه می‌پرداختند. لاوم به یادآوری است که "انجمن‌های کارگری" اس - ارما در فاصله ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در بسیاری از شهرهای روسیه فعالیت داشتند و "روحیه مبارزاتی" آنها در میان بخشی از وحتکشان سازمان نیافته و کم آگاه، نسبت به این حزب هواداری برمی‌انگیخت. برنامه آنها برای اجتماعی کردن زمین هیچ ربطی به سوسیالیسم نداشت، اما به طور عینی بازناب دهقده تمایل دهقانان به ناپودی بورژوازی مالکی و "برابری" در مالکیت زمین بود. از این رو این برنامه نزد برخی کارگران که تا چندی پیش در روستا کار می‌کردند، طرفدار داشت. علاوه بر این، اس - ارما می‌خواستند از انشعاب ح. س. د. ک. ر. به سود خود بهره گیرند، بدین طریق که می‌کوشیدند کارگران ناراضی از این انشعاب را به سوی خود جلب کنند. بنا بر همه این دلایل، بلشویکیا می‌بایستی برنامه اس - ارما را با همه نیرو نقد کرده علیه ماجراجویی آنها دست به مبارزه می‌زدند، زیرا اس - ارما در انتخاب زمان قیام موقعیت عینی و آمادگی توده‌ها برای اقدام علنی را به حساب نمی‌آوردند.

جناح چپ اس - ارما که در سال ۱۹۰۶ به صورت "اتحادیه ماکزیالیست‌ها" شکل یافت و کارگران را فراخواند و تالیف سوسیالیستی راه تفه با اجتماعی کردن زمین، بلکه همچنین کارخانجات، به طور بلافاصل حل کنند، بسیار به آثارشیم، که در مناطق قریب و جنوبی کشور، در پترسبورگ و بعضا در ففقاژ به گسترش معینی رسیده بود، نزدیک بود. در اواخر ۱۹۰۵، آثار کوسفدیکالیسم روس نیز با به صفحه گذاشت.

بنا بر این، در جنبش کارگری روسیه مبارزه ایدئولوژیک شدیدی جریان داشت که در روال آن، توده‌های پرولتری تدریجاً حول سوسیال دمکراسی انقلابی گرد آمدند. ستیغ عمده میان بلشویسم و منشویسم بود که دومنی انقلاب را تمایز می‌کردند. بلشویکیا پرولتاریا را که شجاعانه به میدان نبرد با حکومت مطلقه رفت و در اتحاد با دهقانان برای پیروزی قطعی قیام خلق می‌رومید، رهبری کردند. منشویکیا به دنبال "همانند کردن اقدامات" طبقه کارگر با بورژوازی لیبرال بوده با تلاش خود برای تبدیل پرولتاریا به زائده ساده جنبش لیبرالی، به‌طور عینی مانع رشد مبارزه انقلابی بودند.

همانگونه که رویدادها نشان داد، حزب بلشویکی پیشاهنگ واقعی جنبش کارگری و کل خلق انقلابی بود و به گفته لنین انقلاب، درستی همه اصول تلوریک مارکسیسم، همه شعارها، اصلی بلشویسم و ایمان حزب به پرولتاریای انقلابی روس (۲۳) را نشان داد.

## پانویس‌ها

- (۱) و. لنین، طرح برنامه حزب ما، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۲۹. (به زبان آلمانی)
- (۲) دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک، مجموعه آثار، ج ۹، ص ۹۰۴.
- (۳) و. لنین، انقلابی از نوع ۱۷۸۹ یا ۱۸۴۸، ج ۸، ص ۲۴۹. مجموعه آثار
- (۴) و. لنین، گزارش در باره کنفره وحدت ح. س. د. ک. ر.، مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۲۶۲.
- (۵) دو تاکتیک...، ج ۹، ص ۹۰.
- (۶) "فیلنامه‌های ح. س. د. ک. ر. ش. ..."، ج ۱۰، ص ۱۱۷.
- (۷) و. لنین، تجدید نظر در برنامه دهقانی حزب کارگری، مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۱۸۴.
- (۸) و. لنین، کنفره وحدت ح. س. د. ک. ر.، ص ۲۷۹-۲۸۹
- (۹) ج ۱۰، ص ۲۷۹-۲۸۹
- (۱۰) و. لنین، نقش افشار و طبقات در جنبش رهایی بخش، ج ۱۹، ص ۲۱-۲۲.
- (۱۱) نادژدا کروپسکیا، خاطراتی از لنین، ص ۱۳۰.
- (۱۲) طرح فطقی از کارل مارکس در باره عمل سیاسی طبقه کارگر، مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۱۷، ص ۶۵۲.
- (۱۳) و. لنین، جریانی عقب مانده در سوسیال دمکراسی روس، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۷۰.
- (۱۴) دو تاکتیک...، ج ۹، ص ۴۴.
- (۱۵) "فیلنامه‌ها..."، ج ۱۱، ص ۴۷۵.
- (۱۶) دو تاکتیک...، ج ۹، ص ۱۵.
- (۱۷) و. لنین، روش سوسیال دمکراسی نسبت به جنبش دهقانان، ج ۹، ص ۲۲۲.
- (۱۸) دو تاکتیک...، ج ۹، ص ۷۴-۷۲.
- (۱۹) "فیلنامه‌ها..."، ج ۱۱، ص ۲۷۴.
- (۲۰) و. لنین، سقوط پورت آرتور، ج ۸، ص ۴۰.
- (۲۱) همانجا
- (۲۲) همانجا، و "کنفره سوم" در ج ۸، ص ۴۴۶.
- (۲۳) "پروتکل‌های کنفره چهارم (وحدت) ح. س. د. ک. ر.، مسکو ۱۹۵۹.
- (۲۴) "جنبش اجتماعی در روسیه در آغاز قرن بیستم"، ج ۲، کتاب ۵
- (۲۵) ایسکرا، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۵.
- (۲۶) مجموعه آثار بلخانف، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
- (۲۷) همانجا، ج ۱۵، ص ۷۵.
- (۲۸) همانجا، ج ۱۳، ص ۲۸۵.
- (۲۹) و. لنین، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان، مجموعه آثار، ج ۸، ص ۲۹۲.
- (۳۰) دو تاکتیک...، ج ۹، ص ۱۲۶.
- (۳۱) و. لنین، هدف مبارزه پرولتاریا در انقلاب ما، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
- (۳۲) و. لنین، چگونه اس - ارما از انقلاب درس می‌گیرند و انقلاب چگونه درباره اس - ارما قضاوت می‌کند، ج ۱۵، ص ۲۳۹.
- (۳۳) و. لنین، درباره نوساوی حزب، ج ۱۰، ص ۱۶.

### اعلامیه مشترک حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست آلمان

فرانسه و آلمان فدرال برآنند که رابطه نظامی خود را استحکام بیشتری بخشند و یک فرماندهی نظامی مشترک ایجاد کنند. فرانسه قصد دارد از این طریق وژنه خود را در اروپا و ناتوستکین تر کند و آلمان فدرال می خواهد در شرایط امضای معاهده اخیر بین آمریکا و شوروی که بر مبنای آن از جمله موشکهای پرشیتنگ مستقر در خاک آلمان فدرال برچیده خواهد شد، وزیرچتر اتمی فرانسه قرار گیرد. آمریکا از نویدی نظامی بیشتر فرانسه و آلمان فدرال خوشنود است و با تشویق فرانسه به تولید سلاحهای اتمی بیشتر، می کوشد تخطا موشکهای پرشیتنگ را برساند.

در افشای نزدیکی نظامی بیشتر دو کشور حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست آلمان در هفته گذشته اعلامیه مشترکی انتشار دادند. در این اعلامیه ضمن پشتیبانی قاطع از قراردادی که اخیرا در واشنگتن به امضای کارباچف و ریگان رسید گفته شده است تحركات تازه در چارچوب ناتو در اروپا، بخلاف روندی سیر می کند که به امضای قرارداد واشنگتن منجر شد. مضمون تحركات تازه تحکیم یک بلوک نظامی است که هسته اصلی آن سلاحهای اتمی انگلستان و فرانسه و سلاحهای قرارداد آلمان فدرال و دیگر کشورهای اروپایی عضو ناتو تشکیل می دهند.

### تحریم موفقیت آمیز مضحک انتخاباتی در هائیتی

دو سال پیش رژیم دست نشانده ژان کلود دووالیه در هائیتی سرتکون شد و دوالیه به فرانسه گریخت. به جای رژیم دوالیه یک حکومت نظامی بر سر کار آمد که ژنرال نامقی در راس آن است. ژنرال نامقی حکومت خود را یک "حکومت موقت" می داند و پیش از این اعلام کرده بود جای خود را به حکومت منتخب در جریان انتخابات روز یکشنبه هفته گذشته خواهد داد. هدف انتخابات دو هفته پیش روی کار آوردن چهره های تازه ای از باند دوالیه بر سر کار بود. همه احزاب چپ و دموکراتیک از جمله حزب کمونیست این انتخابات نمایشی را تحریم کردند.

تحریم بسیار موفقیت آمیز بود. حتی خیرگزاری های امپریالیستی گزارش کردند که در انتخاب کمتر از ده درصد واجدین شرایط شرکت داشتند. تقلب و تزویر در این انتخابات به حدی بود که دولت آمریکا نیز که به این مضحکه امید زیادی بسته بود، نتوانست منکر رسوایی حاصل از آن شود. در جریان انتخابات ۴۰ ناو جنگی آمریکا و ناتو جزیره هائیتی را عملا به محاصره در آورده بودند و تصمیم داشتند در صورت بالا گرفتن شازارمی دست به مداخله مستقیم زنند.

### اخبار خارجی

\* پناهمر آمار رسمی دولت انگلستان، که در نیمه ژانویه اعلام شد، تعداد پیکاران در این کشور بالغ بر ۲/۶۹۵/۸۱۰ نفر است. بر اساس این آمار قریب به ۱۰ درصد واجدین شرایط کار در انگلستان، پیکارند. در آلمان فدرال پیش بینی می شود که رقم پیکاران در پایان سال ۱۹۸۸ سربه ۲/۵ میلیون نفر بزنند.

\* ۲۱ حزب ایوژیسیون در بنتگلدش اعلام کردند انتخابات پارلمان را تحریم خواهند کرد. ژنرال ارشاد، رئیس جمهور بنتگلدش روز ۲۸ فوریه را روز برگزاری انتخابات اعلام کرده است. ژنرال تصمیم دارد از طریق گلوله و بانوم و تقلب بایه های حکومت خود را با یک انتخابات نمایشی، تسخیم بخشد. ایوژیسیون خواهان برکناری ژنرال ارشاد است.

\* در آغاز هفته گذشته یکی از رهبران حزب کمونیست هندوستان در ایالت پنجاب به دست راست گرابان افراطی کشته شد. حزب کمونیست و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان تصمیم گرفته اند کمیته مشترکی برای مقابله علیه راست گرابان در ایالت پنجاب تشکیل دهند. آنها در این رابطه فرخوانی خطاب به احزاب مختلف انتشار داده اند.

\* در هفته گذشته اهالی کواتالا با یک تقارنات ۲۰۰۰ نفره که از سوی سدیگهای کارگری، اتحادیه های دهقانی و سازمانهای دانشجویی سازمان یافته بود، علیه کرائی و پیکاری و پایمال شدن حقوق بشر در کشور اعتراض کردند.

\* وزارت امنیت عمومی چین، شاخه آزادی قریب الوقوع چپانگ چینگ، بیوه ماشو و دیگر اعضای "باند چهار نفره" را اتکلیب کرد.

### تلاش های سازمان ملل برای حل مسئله افغانستان

تهبیدات مختلف که یک بلد آن مربوط به خروج نیروهای شوروی است.

ضدانقلابیون افغانی با ماموریت صلح دیکور دوروز مخالفت کرده اند. ژنرال ضیاالحق، رئیس جمهور پاکستان نیز اعلام کرده است اگرچه با مذاکرات دیپلماتیک و حل مسائل از طریق مذاکره موافق است، اما در آینده بر شد انقلابیون افغانی در پاکستان "فشاری وارد نخواهد کرد".

در هفته گذشته در کابل اعلام شد که به نویدی بر مبنای یک قانون تازه، انتخابات عمومی در کشور، برگزار خواهد گردید.

در روز دوشنبه هفته گذشته دیکور دوروز قائم مقام دبیرکل سازمان ملل در یک مصاحبه مذجوعاتی در نیویورک اعلام کرد که مذاکرات دیپلماتیک بر سر مساله افغانستان به نویدی به یک نتیجه خواهد رسد. کوردوروز که در هفته گذشته به کابل و اسلام آباد سفر کرد، پیش از سفر خود اعلام کرد برای به انجام رسیدن مذاکرات، سندهای چندی تهیه شده که از آن جمله اند قرارداد بین افغانستان و پاکستان در زمینه عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، سندی در باره بازگشت فراریان، سندی در مورد تضمین های بین المللی، که شوروی و آمریکا آن را امضا خواهند کرد و نیز سندی در باره ارتباط بین

### اعتصاب عمومی در فلسطین اشغالی



یک اردوگاه آوارگان فلسطینی در محاصره سربازان اسرائیلی

یکبار دیگر اراده خلق فلسطین برای مقابله پیکار اشغالگران را به نمایش گذاشت. اعتصاب بانظارات همراه بود.

اعتصاب عمومی در روزهای پنج شنبه و جمعه نیز ادامه یافت. سربازان اسرائیلی قفل در مغازه ها را شکستند و می خواستند به زور اسلحه به اعتصاب پایان دهند که ره به جایی نبردند.

در هفته گذشته جان ۲۰۰۰۰ فلسطینی ساکن اردوگاههای آوارگان در نوار غزه به خاطر گرسنگی در معرض تهدید بود. ارتش اسرائیل اردوگاهها را به محاصره در آورده بود و از رسیدن مواد غذایی به آنها جلوگیری می کرد.

در روز سه شنبه، اعلام یک اعتصاب عمومی

## چهارمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا

نیروهای مترقی که دفاع از حقوق جوانان را در برنامه خویش دارند دعوت کرد تا حول برنامه‌ای گرد آمده و مبارزه مشترکی را جهت دفاع از حقوق اجتماعی جوانان پیش برند. جوانان پیشگام ایران - اسپانیا در این کنگره حضور فعالی داشت و پیامی نیز برای کنگره ارسال نمود. در طول روزهای برگزاری کنگره هیات نمایندگی جوانان پیشگام با هیات‌های نمایندگی مهمان از کشورهای شیلی، السالوادور، پرو، فلسطین، جمهوری صحرای غربی، آلمان دموکراتیک و تونس ملاقات داشته و ضمن بیان اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران، خواستار همبستگی همه نیروها، کمونیست و نیروهای دموکرات با خلق‌های ایران جهت پایان دادن جنگ و مبارزه با رژیم خونخوار نازیستی شدند.

در روز دهم ژانویه کنگره با طنین سرود انترناسیونال پایان یافت.

چهارمین کنگره فدرال اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا از هفتم تا دهم ژانویه با حضور بیش از ۲۰۰ هیات نمایندگی از جانب ۲۲۰۰۰ عضو کمونیست این اتحادیه، در شهر "آکلادا انارس" برگزار شد. در این کنگره ۲۹ هیات نمایندگی از جانب سازمان‌ها و جنبش‌های جوانان کمونیست و دمکرات سایر کشورها از جمله جوانان پیشگام ایران، حضور داشتند.

شعار اصلی کنگره مبارزه بخاطر ایجاد آلترناتیو چپ و تاکید بر وحدت جنبش کمونیستی جوانان در یک تشکیلات واحد بود. تغییرات لازم در ساختار تشکیلات جهت پاسخگویی سازمانی به جنبش اوج گیرنده فرین دانشجویی و تلاش برای درک واقعیت تغییر یافته زمان نو و یافتن پاسخ‌های درخور برای مسائل نو، بخش مهمی از کار کنگره را بخود اختصاص داد.

کنگره طی فراخوانی از همه

## آماری از موفقیت‌های نظامی انقلابیون السالوادور



چریک‌های جبهه آزادی‌بخش فارابوندومارتی

چریان حملات ۲۱۸ خودروری نظامی ارتش تحت اختیار مستشاران آمریکایی، منهدم شده و یا آسیب دیده‌اند. در سال گذشته ۲۷۸ بار در سر راه کاروانهای نظامی کمین‌گذاری شده است.

چریک‌های جبهه آزادی، بخش فارابوندومارتی در روز اول ژانویه دست به اولین حمله خود در سال جدید زدند. هدف حمله منهدم کردن یک پایگاه نظامی در مرز هندوراس بود که با موفقیت انجام شد.

سال گذشته میلادی با بیشترین موفقیت‌های نظامی و سیاسی برای جبهه آزادی‌بخش فارابوندومارتی در السالوادور همراه بود. چریک‌های این جبهه در جریان حملات متعدد خود توانستند ۸۸۵ نفر از نیروهای دشمن را از پادر آورده و یا زخمی سازند. دشمن بطور متوسط روزانه ۲۴ نفر را از دست داده است. انقلابیون همچنین ۸ هواپیما و هلی‌کوپتر دشمن را سرتگون ساخته و به ۲۴ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر دیگر آسیب رسانده‌اند. در

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
NO. 192  
MONDAY, 25 JAN 88

حساب بانکی:  
**AUSTRIA - WIEN**  
**BAWAG**  
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)  
NR. 02910701-650  
**DR. GERTRAUD ARTNER**

آدرس:  
**Address:**  
**RUZBEH**  
**POSTFACH 1810**  
**5100 AACHEN**  
**W. GERMANY**

با جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید

## انتخابات و جناحها، انتخابات جناحی

شاید یکی از حساسترین دوره‌های جمعی شورای اسلامی، مدت زمان زیادی نمانده است. نزدیک شدن زمان انتخابات، همانگونه که قابل پیش‌بینی بود، بر آتش جنگ درون حکومتی همیشه شعله‌ور است و آن را از پستوها و اندرونی‌ها به عرصه رسانه‌ها کشانده است. در انتخابات سومین دوره مجلس، هر جناح می‌کوشد تا به فراخور نیروی خود، کرسی‌های هر چه بیشتری را به تصرف خود در آورده و از طریق تقسیم مجدد کرسی‌های مجلس، بر پشتوانه سیاسی خود بیاواید.

بر این محفول انتخابات بسیار مهم تلقی شده است. خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم، اهمیت انتخابات فروردین ماه مجلس شورای اسلامی را چنین تصویر کرده است: "این مجلس - مجلس آتی - رسالت ۱۷ دیماه) اما اگر انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی برای جبهه‌ها و جناح‌های دوزن حکومتی حساس است، مقدمات این انتخابات، فحوه معرفی شدن کاندیداها، نحوه پیشرفت تبلیغات انتخاباتی نظارت بر انتخابات نیز طبعاً "حساس و مهم" خواهند بود. در این راستا دسته‌بندی‌های بقیه در صفحه

تا انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، مدت زمان زیادی نمانده است. نزدیک شدن زمان انتخابات، همانگونه که قابل پیش‌بینی بود، بر آتش جنگ درون حکومتی همیشه شعله‌ور است و آن را از پستوها و اندرونی‌ها به عرصه رسانه‌ها کشانده است. در انتخابات سومین دوره مجلس، هر جناح می‌کوشد تا به فراخور نیروی خود، کرسی‌های هر چه بیشتری را به تصرف خود در آورده و از طریق تقسیم مجدد کرسی‌های مجلس، بر پشتوانه سیاسی خود بیاواید. بر این محفول انتخابات بسیار مهم تلقی شده است. خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم، اهمیت انتخابات فروردین ماه مجلس شورای اسلامی را چنین تصویر کرده است: "این مجلس - مجلس آتی -